

«مطالعات جامعه‌شناسی»

سال دوازدهم، شماره چهل و پنجم، زمستان ۱۳۹۸

ص ص ۱۰۴-۷۷

مطالعه کیفی تربیت جنسی نوجوانان و عوامل زمینه‌ساز آن

با تاکید بر روابط میان فردی با والدین مطالعه موردی:

دختران و پسران نوجوان دوره متوسطه ساکن شهر تهران

دکتر سروناز تربتی<sup>۱</sup>

دکتر سمیه تاجیک اسماعیلی<sup>۲</sup>

نیکا خسروی<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۷/۱۵

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۸/۱۰/۱

چکیده

تربیت جنسی به کارگیری شیوه‌هایی برای ایجاد صفات و رفتارهای جنسی سالم و در عین حال زدودن صفات و رفتارهای جنسی ناشایست از مجموعه وجودی انسان است. به عبارت دیگر تربیت جنسی ارائه سلسله‌ای از اطلاعات ضروری روان‌شناختی، جسمانی و دینی در حوزه زمینه‌های جنسی مرتبط با فرد و به همراه آن ارائه اطلاعات و آگاهی‌هایی به فرد در زمینه آشنایی بیشتر با خصوصیات جنس مخالف است. هدف تحقیق حاضر، مطالعه تربیت جنسی نوجوانان شهر تهران و عوامل زمینه‌ساز آن با تاکید بر روابط میان فردی با والدین است. برای این منظور از روش تحقیق کیفی و تکنیک مصاحبه برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده شده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نظریه زمینه‌ای استفاده شده است. داده‌های به دست آمده به شکل‌گیری مقولاتی مانند آگاهی از مسائل دینی در رابطه با تربیت جنسی، آگاهی والدین از مسائل جنسی و اثرات جسمی و روحی آن، ارائه رفتارهای مناسب در خانواده از سوی والدین، آگاهی و مسلط بودن والدین به یک سری از مهارت‌های ارتباطی در جهت ارتباط بهتر با کودکان، تربیت جنسی در قالب آموزش مدارس، آموزش والدین و اجتماعی‌کردن و انتقال درست هنجارها و ارزش‌های جنسیتی به فرزندان، وجود ارتباط عاطفی در خانواده، نظارت مدارس بر فعالیت‌های کودکان و نوجوانان در مدرسه و همکاری با والدین در این زمینه منتهی شده است. این مفاهیم در سه دسته عوامل خانوادگی، آموزشی یا برون خانوادگی و اجتماعی دسته‌بندی شدند. نهایتاً بر اساس نتایج به دست آمده، یکی از دلایل اصلی تاثیرگذار بر تربیت جنسی در این پژوهش، وجود آگاهی در بین خانواده‌ها و در راس آن در بین والدین می‌باشد.

واژگان کلیدی: تربیت جنسی، نوجوانان، والدین، آگاهی.

۱. عضو هیئت علمی علوم ارتباطات دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شرق، تهران- ایران.

۲. عضو هیئت علمی علوم ارتباطات دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شرق، تهران- ایران.

۳. دانشجوی دکتری علوم ارتباطات دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شرق، تهران- ایران.

## مقدمه

خانوده به عنوان یک واحد اجتماعی در بر گیرنده بیشترین و عمیق‌ترین مناسبات انسانی است که وظایفی مانند تمامیت بخشی به جنبه‌های زیستی، روانی، اجتماعی، فرهنگی و رشد و تکامل اعضای خود را در بر می‌گیرد. در این میان، یکی از مهم‌ترین وظایف خانواده، تربیت جنسی فرزندان می‌باشد. تربیت جنسی ارائه یک سلسله اطلاعات ضروری روان‌شناختی، جسمانی و دینی درباره مسائل جنسی مربوط به هر فرد و نیز ارائه اطلاعات و آگاهی‌هایی به فرد در زمینه آشنایی بیشتر با خصوصیات جنس مخالف است (رهنما و همکاران، ۱۳۸۶: ۲۶). از این حیث، تربیت جنسی مسئله‌ای پیچیده در فرهنگ هر جامعه‌ای بوده و فرایندی طولانی است که از طریق آن، افراد، اطلاعات و دانش لازم را در مورد مسائل جنسی کسب می‌کنند و عقاید، نگرش‌ها و ارزش‌های خود را در این رابطه تشکیل می‌دهند. این نوع تربیت به تمام ابعاد جنسیت مانند ابعاد زیستی، فرهنگی - اجتماعی، روان‌شناختی و مذهبی توجه می‌کند و به حوزه‌های شناختی (اطلاعات، دانش)، عاطفی (احساسات، ارزش‌ها و نگرش‌ها) و رفتاری (مهارت‌های ارتباطی و تصمیم‌گیری) مربوط می‌شود (گلدمن<sup>۱</sup>، ۲۰۱۱: ۲۶). با توجه به این که حیات جنسی انسان از بدو تولد شروع می‌شود و به تدریج رشد پیدا می‌کند، والدین باید به تغییر نگرش خود نسبت به سوالات و کنجکاوی‌های ذهنی فرزندان اقدام کنند و به روابط خود با فرزندان کیفیت ببخشند. همین ارتباط موتور روابط اجتماعی و یک ضرورت برای همه روابط است و هنگامی که با تعامل والد - فرزند می‌آید نقش حیاتی ایفا می‌کند و آن ایجاد و حفظ روابط بین والدین و فرزندان است که باعث تعامل قوی بین والدین و کودک می‌شود و به طور قابل توجهی به درک و پذیرش متقابل بین والدین و فرزند کمک می‌کند.

نگاهی هرچند کوتاه به وضع کودکان، نوجوانان و بزرگسالان در جامعه ما و هم‌چنین بسیاری از نقاط جهان، ما را با مسائل و دشواری‌های عظیمی در زمینه روابط بین فردی که ناشی از متغیرهای مختلف است، آگاه می‌سازد (عابدی، ۱۳۸۵)، چرا که ارتباط ناموثر موجب فاصله بین فردی عمیقی می‌گردد که هم اکنون در همه جنبه‌های زندگی اعم از شغلی، خانوادگی، تحصیلی، اجتماعی و همه بخش‌های جامعه تجربه می‌شود. ارتباط ضعیف از جمله منابع عمده‌ای است که بین افراد تضاد و تعارض ایجاد می‌کند و به نظر می‌رسد که ریشه بسیاری از مشکلات و ناسازگاری‌ها است (تیلر و لستر<sup>۲</sup>، ۲۰۰۹). از یک سو، روابط بین فردی ضعیف، سبب مشکلاتی در مداخلات عمده و اصلی افراد در روابط و مناسبات اجتماعی می‌شود. به منظور این که یادگیرندگان، مهارت‌های ارتباطی خوبی داشته باشند، آن‌ها نیازمند درگیر ساختن خودشان در مداخلات اجتماعی نظیر کارگاه‌های آموزشی هستند.

بر همین اساس، هدف نهایی از داشتن روابط بین فردی خوب، آگاهی بخشی، ایجاد نگرش‌های مثبت، کاهش منازعات و توسعه موارد توافق و کمک به حل مسائل طرفین ارتباط است. فراگیری روابط

<sup>۱</sup>. Goldman

<sup>۲</sup>. Taylor, S., & Lester

بین فردی صحیح، اهمیت به سزایی در ایجاد سلامت روانی، رشد شخصی، هویت یابی، افزایش بهره‌وری شغلی و تحصیلی، افزایش کیفیت زندگی، افزایش سازگاری و خودشکوفایی دارد. اگر افراد از مهارت‌های ارتباطی مناسب برخوردار نباشند، در بسیاری از جنبه‌های زندگی آسیب‌پذیر خواهند بود (کریمی، ۱۳۸۸: ۲۰). از سوی دیگر، افرادی که از مهارت‌های ارتباطی ضعیف‌تری برخوردارند، کمتر مورد پذیرش اطرافیان خود قرار می‌گیرند و با مشکلات کوتاه مدت و بلند مدت زیادی روبرو می‌شوند. از نظر هالستید و ریس<sup>۱</sup>، یکی از پر نزاع‌ترین موضوعات در خانواده‌های مسلمان، چگونگی تربیت مسائل جنسی به کودکان و نوجوانان می‌باشد؛ زیرا که این آموزش‌ها، نقش دوگانه‌ای را ایفا می‌کند؛ به گونه‌ای که عدم آموزش مسائل جنسی مشکلاتی را در پی خواهد داشت و آموزش نادرست آن نیز دشواری‌های دیگری را ایجاد می‌کند (هالستید و ریس، ۲۰۰۳). وندربگ<sup>۲</sup> نیز بیان می‌کند که هم تربیت جنسی رسمی و هم تربیت جنسی توسط والدین، با تأخیر در ظهور رفتارهای جنسی در نوجوانان، تعداد شرکای جنسی کمتر و افزایش استفاده از کاندوم و سایر روش‌های کنترل بارداری مرتبط است (وندربگ، ۲۰۱۶: ۶۹). بنابراین بسیاری از کارشناسان موافق افزایش تربیت و آموزش‌های جنسی جامع هم از طریق منابع رسمی و هم از طریق والدین هستند که به نوجوانان در گرفتن تصمیمات سالم جنسی کمک کرده و رفتارهای پر خطر جنسی را کاهش می‌دهند. با این حال، تربیت جنسی بسته به هنجارهای فرهنگی هر منطقه و هر کشور می‌تواند متفاوت باشد. حال، با وجود این که آموزش‌های جنسی متنوعی به نوجوانان داده می‌شود، ولی به نظر می‌رسد اکثر نوجوانان هنوز هم آگاهی لازم در این زمینه را به دست نیاورده‌اند. به هر میزان که والدین در تربیت جنسی کودک از روش‌ها و برنامه‌های جامع، اصولی و منطقی استفاده کنند، تربیت جنسی کامل‌تری انجام خواهد شد. تربیت جنسی جامع می‌تواند به کودکان و نوجوانان کمک کند تا چارچوبی از موضوعات بهداشتی و اجتماعی پیچیده و بحرانی را در ذهن ایجاد کند. فراهم کردن اطلاعات دقیق درباره روابط جنسی و مسائل مرتبط با آن می‌تواند نتیجه تصمیم‌گیری‌هایی باشد که به زندگی‌های سالم‌تر بیانجامد. در همین راستا باید خاطر نشان ساخت که در ایران، برنامه آموزشی مدون و مناسبی در زمینه تربیت جنسی وجود ندارد و بیشتر نوجوانان آگاهی‌های جنسی را از منابع نامناسب و با روش‌های نادرست کسب می‌کنند و اطلاعات کافی پیرامون این موضوع ندارند (قربانی و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۰۰). هم‌چنین در جامعه ما برخی از والدین به دلیل عقاید و بینش‌های خود، علاقه‌ای به صحبت کردن درباره مسائل و آموزه‌های جنسی ندارند. زیرا تصور می‌کنند ارائه اطلاعات موجب بیدارشدن غریزه جنسی فرزندان‌شان می‌شود؛ درحالی که باید بدانند هرچه اطلاعات و دانسته‌های کودکان و نوجوانان درباره بدن خود و مسائل مربوط به جنسیت‌شان بیشتر و صحیح‌تر باشد، رفتارهای جنسی آگاهانه‌تری از خود بروز می‌دهند. بچه‌ها به هر حال کنجکاو خود را از طریق منابع مختلف، مثل دوستان، نشریات، رسانه‌ها و ... ارضا می‌کنند. با توجه به این که شرایط فرهنگی و ارزشی حاکم بر

<sup>۱</sup>. Halstead, M, Reiss

<sup>۲</sup>. Vanderberg

جامعه ایران مسائل جنسی را از عواملی می‌داند که نوعی تخطی و ناسازگاری فرهنگی را نشان می‌دهد. در این پژوهش محقق به دنبال پاسخگویی به این سوال است که تربیت جنسی نوجوانان و عوامل زمینه‌ساز آن با تاکید بر روابط میان فردی با والدین در بین دختران و پسران نوجوان دوره متوسطه ساکن شهر تهران به چه صورت است؟

### اهداف تحقیق

#### هدف اصلی

- تعیین عوامل مرتبط با تربیت جنسی نوجوانان با تاکید بر روابط میان فردی با والدین.

#### اهداف جزئی

- تعیین عوامل اجتماعی مرتبط با تربیت جنسی نوجوانان با تاکید بر روابط میان فردی با والدین
- تعیین عوامل خانوادگی مرتبط با تربیت جنسی نوجوانان با تاکید بر روابط میان فردی با والدین
- تعیین عوامل آموزشی مرتبط با تربیت جنسی نوجوانان با تاکید بر روابط میان فردی با والدین.

### رفتار و عملکرد جنسی انسان

رفتار و عملکرد جنسی در انسان تظاهر نهایی مسائل بیولوژیکی و تغییرات فیزیولوژیکی است. اما نگاه ژرف‌بینانه به این تظاهر نشان می‌دهد که این رفتار محصول فرآیند پیچیده‌تر و عمیق‌تری به نام جامعه‌پذیری جنسی نیز می‌باشد. این فرآیند به تکوین هویت و نقش جنسی، کسب مهارت و دانش جنسی و سرانجام نگرش جنسی اطلاق می‌شود. خانواده و جامعه دو نهاد اصلی و بالقوه موثر در چگونگی طی کردن این فرآیند توسط افراد جامعه می‌باشند و محدوده این فرآیند از خانواده‌ای به خانواده دیگر و از جامعه‌ای به جامعه دیگر متفاوت است. به گونه‌ای که در برخی فرهنگ رویکرد حاکم بر امور جنسی به طور کامل آشکار و در برخی دیگر این مسائل پوشیده، غیر واضح و حتی دور از دسترس قرار دارد. اتخاذ هر یک از این رویکردها در امور جنسی به تعاملات میان متغیرهای اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و مذهبی در هر جامعه بر می‌گردد و در نهایت مسیر عملکردی نهادهای موثر در این حوزه مشخص می‌شود. اساساً تربیت جنسی اقداماتی است که از دوران اولیه زندگی انسان در جهت رشد متعادل و متناسب‌گریزه جنسی وی صورت می‌گیرد و هدف بنیادی آن، آگاه‌سازی جنسی، تکامل رفتارهای جنسی، کمک به اجرای وظایف جنسی، تداوم و بقای نسل و مودت و آرامش در زندگی است. در برخی موارد تربیت جنسی به معنای «آموزش جنسی» به کار برده می‌شود در حالی که تربیت جنسی معنای وسیع‌تری دارد. تربیت جنسی نه تنها احساس جنسی را در بر می‌گیرد، بلکه دارای ویژگی رشد شخصیت اجتماعی، اخلاقی و فرهنگی هست (رهنما و همکاران، ۱۳۸۶: ۲۶). تربیت جنسی ارائه یک سلسله اطلاعات ضروری روان-

شناختی، جسمانی و دینی درباره مسائل جنسی مربوط به هر فرد و نیز ارائه اطلاعات و آگاهی‌هایی به فرد در زمینه آشنایی بیشتر با خصوصیات جنس مخالف است. در تربیت جنسی، افراد مسن‌تر اجتماع یا آن‌هایی که بیشتر در رابطه با مسائل جنسی اطلاعات و معلومات دارند، با افرادی که کمتر یا اصلاً در این رابطه رشدی ندارند، برخورد می‌کنند تا رشد بیشتری در آن‌ها به وجود آورند و از این راه به پیشرفت زندگی انسانی از نظر مسائل و برخوردهای جنسی کمک کنند(همان). تربیت جنسی کودکان در بستر خانواده و محیط مدرسه همواره مورد توجه و بحث بوده است. آموزش جنسی مسئله‌ای پیچیده در فرهنگ هر جامعه‌ای است. نقش مدرسه و معلم در آموزش و توسعه سلامت جنسی در جوامع محافظه‌کار کم‌رنگ می‌باشد. مشکل جدی در این میان این است که پدر و مادرها نیز در بحث‌های مربوط به رفتار جنسی با فرزندان احساس خجالت می‌کنند، توضیح دادن در این مورد برای‌شان ناراحت کننده است و دانش و مهارت لازم برای انجام این کار را ندارند(مرقاتی خوبی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۱؛ برک، ۱۳۹۳). از آن جایی که مباحث و مسائل جنسی هم در حیطه بهداشت فردی و اجتماعی شخص حائز اهمیت است و هم در حیطه اخلاقیات، لذا خانواده باید در هر چه بهتر شکل گرفتن هویت جنسی کودک اهتمام لازم و کافی را از خود نشان دهد. هم‌چنین در تربیت جنسی، در بنیادی‌ترین تراز، سخن بر سر اخلاق جنسی است. حتی ناسازگاری دیدگاه‌ها موجب ناسازگاری باورهای اخلاقی می‌گردد که این ریشه در ناسازگاری میان دیدگاه‌های پیرامون سرشت بشری دارد. در اصل نمی‌توان برنامه تربیت جنسی را با نادیده گرفتن ارزش‌ها به انجام رساند. مک‌کی(۱۹۹۷)، این را رویارویی ایدیولوژیک می‌نامد. چونان می‌نماید که دو دیدگاه اصلی را بتوان بازشناخت: دیدگاه سنتی و دیدگاه آزادمنش با رویکرد باز دارنده در برابر رویکرد روا دارنده(مک‌کی، ۱۹۹۷). این‌ها را ایدیولوژی جنسی می‌نامند: چشم‌اندازهایی کلی درباره اخلاقیات جنسی رویکرد بازدارنده یا سنتی بر آن است که رفتار جنسی باید در چارچوب مهار قانونی، اجتماعی و اخلاقی باشد. تنها برخی رفتارها پذیرفتنی هستند و دیگر رفتارها ضد اخلاقی و نابودگر برای فرد و جامعه هستند. در برابر این، رویکرد روا دارنده یا لیبرال، ریشه در دیدگاه داروینی و بازتاب نادینی شدن نگرش‌ها درباره بشر دارد. از قداست افتادن رفتار جنسی، به معنای طبیعی دانستن رفتار جنسی است. از نظر تاریخی، پس از دهه شصت، رویکرد روا دارنده چیره شد، اما در سال‌های پایانی سده بیستم، بار دیگر رویکرد باز دارنده هوادار یافته است(مک‌کی، ۱۹۹۷). این دو نگرش در تربیت جنسی، رویکردهای دیگری هم دارند: رویکرد سنتی یا بازدارنده، آن تربیت جنسی‌ای را می‌خواهد که مبتنی بر پرهیزگاری باشد اما روا دارنده‌ها چنین برنامه‌ای را گونه‌ای القای عقیده می‌دانند و خواهان برنامه‌ای فراگیر هستند، در صورتی که باز دارنده‌ها برنامه آنان را ترویج نسبی‌گرایی ایدیولوژیک می‌شمارند(همان).

### مبانی نظری

از نظر مید، جامعه‌پذیری با آموختن معانی و نمادها در مراحل متفاوت صورت می‌گیرد که دستاورد آن ادراک منسجم‌تری از خود است. او مراحل جامعه‌پذیری را دارای اهمیت خاصی می‌داند. در مرحله نمایشی کودک نقش آدم‌هایی که برایش مهم هستند مانند پدر، مادر، برادر یا خواهر یاد می‌گیرد. این مرحله مهم در چرخه زندگی، ادراک متنوعی از زندگی اجتماعی به کودک می‌بخشد. اما او ادراک منسجم و یکپارچه‌ای از خود ندارد تا آن که وارد مرحله بازی می‌شود. کودکان در این مرحله توانایی به دست آوردن نظر تعمیم یافته‌تری درباره موقعیت و خود خویش را پیدا می‌کنند. به تعبیر مید، آن‌ها در این مرحله پذیرش نقش دیگری تعمیم یافته را یاد می‌گیرند. مید معتقد است خود در فراگرد تجربه و فعالیت اجتماعی رشد می‌یابد و شکل می‌گیرد. شکل‌گیری خود ناشی از رابطه فرد با این فراگرد اجتماعی و نیز با افراد دیگر در درون این فراگرد اجتماعی است. خود در نظریه مید از دو عنصر بنیادی تشکیل شده است: من فاعلی و من مفعولی. من فاعلی، پاسخ ارگانیسم به نگرش‌های دیگران است و من مفعولی مجموعه سازمان یافته نگرش دیگران به خود است. به عبارت دیگر نگرش‌های دیگر من فاعلی او را شکل می‌دهد. من فاعلی در بر گیرنده مفهوم آزادی و خلاقیت است. خود از فراگردهای اجتماعی ناشی می‌شود. این فراگردها در جوامعی که نابرابری جنسیتی شاخص مهم آن‌ها قلمداد می‌شود و پیامد آن، حاشیه‌ای بودن و فرودست انگاشته شدن زنان است به خود و من زنان لطمه‌های عمیق وارد می‌سازد (هومین فر، ۱۳۹۲: ۹۷). منظور از جامعه‌پذیری جنسیتی، آموزش ارزش‌های جنسیتی به افراد است که از بدو تولد، با توجه به جنسیت صورت می‌گیرد و از آنان نیز انتظار می‌رود مطابق همین ارزش‌ها و هنجارهای پذیرفته شده منطبق با جنسیت خود رفتار کنند. کودکان با مجموعه‌ای از باورهای کلیشه‌ای از رفتارهای مناسب جنسیتی وارد مهد کودک، مدرسه و دانشگاه می‌شوند و غالباًن مدرسه هم این باورها را تقویت کرده و تفاوت‌هایی را در دو جنس، از انتظارات جامعه در زمینه شغل، خانواده و ... در او ایجاد می‌کند. رسانه‌های همگانی نیز با نفوذ ویژه خود در بین مخاطبان که گاه در آنان به صورت کاملاً ناخودآگاه است، تأثیرات خود را بر جامعه‌پذیری افراد نهادینه می‌کنند. طبق الگوی جامعه‌پذیری جنسیتی که در آن مردانگی ارزش محسوب می‌شود، زنان موجوداتی تابع و مطیع در ساختار مردسالار خانواده‌اند و در حوزه‌های خصوصی خانواده محصورند و مردان در دنیای معمولی حضور و اشتغال دارند. نظریه یادگیری اجتماعی یکی از نظریه‌هایی است که به جامعه‌پذیری جنسیتی توجه دارد. طبق نظریه یادگیری اجتماعی، کودکان به وسیله تقویت مثبت و منفی رفتارهای مناسب و نامناسب جنسیتی برای خود را یاد می‌گیرند. مثلاً وقتی که یک دختر بچه گریه می‌کند والدینش او را در آغوش می‌گیرند. این مسئله باعث تقویت این امر می‌شود و باعث می‌شود دختران در آینده هم دوباره گریه کنند. به این شیوه رفتارها یا دخترانه و پسرانه یاد گرفته می‌شوند (لزی خاچکی و ریاحی، بی‌تا: ۲۴۰).

### چالش‌های ارتباطی والدین و نوجوانان در مورد تربیت جنسی

اگرچه در تحقیقات، نقش والدین در صحبت و برقراری ارتباط با نوجوانان‌شان در مورد مسایل جنسی و جنسیت مدنظر قرار گرفته است، بسیاری از والدین از بحث و گفتگو پیرامون مسایلی از این قبیل چون داشتن روابط جنسی ایمن، سلامت جنسی، و یا احساسات مرتبط باجنسیت اجتناب می‌کنند (وارن<sup>۱</sup>، ۱۹۹۵). والدین خواهان داشتن نقشی کلیدی در آموزش نوجوانان‌شان در مورد مسایل جنسی هستند، ولی آن‌ها در توانایی گفتگوی موثر خود در مورد این مسایل شک دارند. والدین از صحبت در مورد مسایل جنسی خصوصاً در آخرین سال‌های نوجوانی فرزندان خود (۱۴ تا ۱۸ سال) خجالت می‌کشند و دچار تشویش می‌شوند، این سنین دقیقاً همان سنینی هستند که بسیاری از افراد جوان درگیر رفتارهای جنسی می‌شوند (جرمان و کونستانتین<sup>۲</sup>، ۲۰۱۰). به خصوص که والدین با توجه به کمبود اطلاعات خود، خودکارایی درک شده به عنوان ارتباط‌گر، محدودیت‌های موقعیتی و آنچه را که باید به نوجوانان خود عرضه کنند، دچار درگیری هستند.

موانع ارتباطات میان فردی: عوامل متعددی می‌تواند در نحوه ارتباطات میان فردی و اثربخشی آن اثر نامطلوب به جای گذارد. مهم‌ترین عواملی را که در ارتباطات به عنوان مانع شناسایی کرده‌اند، به شرح زیر است:

#### الف) موانع ذاتی:

ادراکی (شناختی): هرفرد حوادث مربوط به خود را برحسب زمینه فرهنگی، اجتماعی و روانی مختص به خودش درک می‌کند. بنابراین، هنگام برقراری ارتباط، هرکسی به تصور خود از حادثه یا نقشه ذهنی خود رجوع می‌کند در نتیجه موجب پیدایش موانع ارتباطی می‌شود؛ زیرا نقشه‌های ذهنی افراد با هم متفاوتند.

اجتماعی: افراد به نقش خود در سازمان‌های اجتماعی خو گرفته‌اند؛ چنان‌که مجموع لغات، اصطلاحات و محدودیت‌های گروه اجتماعی، بر رفتار و نیازهای اجتماعی متفاوت آن‌ها در برقرار کردن ارتباطات اثر گذارده، نوع ارتباط را مشکل می‌سازد.

ارزش‌های فرهنگی: خصوصیات فرهنگی متفاوت میان دو قشر، خود نوعی مشکل ارتباطی است برای مثال موانع ارتباطی بین مدیریت و کارگران به دلیل فرهنگ حاکم بر هر قشر آن قدر بزرگ است که ناظر بی‌طرف را به حیرت وا می‌دارد.

معانی (زبان): مسائل مربوط به معانی غالباً در تفسیر اسناد مکتوب پیش می‌آید. مفهوم ذهنی این امر برای مدیر آن است که خطامشی و رویه‌های مکتوب نیاز به توجه خاص دارد.

<sup>1</sup>. warren

<sup>2</sup>. Jerman & Constantine

اثر انگیزه: مسائل روانی از قبیل هیجانات، خشم، درد و خوشحالی، بر تفسیر ما از پیام اثر می‌گذارد برای مثال اگر ما توقع دریافت یا شنیدن امر خاصی را داشته باشیم، این انتظار بر دریافت پیام اثر می‌گذارد یا این که اگر پیامی را که متعارض با دانش و عقیده ماست، دریافت کنیم معمولاً ممکن است برای اجتناب از تشویق ذهنی، آن را نادیده بگیریم.

ارزیابی منابع: آیا منبع پیام قابل اعتماد است؟ آیا به واسطه خود پیام می‌توان منبع آن را معتبر دانست و پیام را پذیرفت؟ این‌گونه ارزیابی‌ها و تردیدها نسبت به منبع پیام در برقراری ارتباط، اختلال ایجاد می‌کند.

علائم غیر کلامی و متناقض: کیفیت صدا، بیان فیزیکی، و وضعیت جسمانی می‌تواند به ارتباطات کمک کند یا آن را به تاخیر اندازد.

اختلال: هر ابزار ارتباطی ضعف‌هایی دارد. عبارات بی سر و ته و ساخت ضعیف جملات در ارتباط کتبی یا توهمات و محدودیت‌های بیانی در ارتباط شفاهی موجب اختلال و در نتیجه ارتباط غیر موثر می‌گردد (فرهنگی، ۱۳۸۰: ۱۶۴).

#### ب) موانع فنی:

شامل استفاده از وسایل ارتباطی برای انتقال پیام است. این که پیامی به صورت کتبی - شفاهی، به وسیله تلفن یا وسایل ارتباط جمعی و شبکه‌های کامپیوتری جهانی منتقل شود بر نحوه اثرگذاری پیام، تأثیر مثبت یا منفی خواهد گذاشت (صائمیان، ۱۳۷۷: ۷۶).

روابط میان والدین و نوجوانان: والدین اولین کسانی هستند که به رشد و تکامل شخصیت کودک و نوجوان کمک و یاری می‌کنند. خانواده نخستین مدرسه و مهد اصلی تربیت و زمینه‌ساز تکامل می‌باشد. هیچ نهادی سرنوشت سازتر از خانواده در زندگی انسان وجود ندارد. کودک درس‌های اصلی و اساسی را در خانواده فرا می‌گیرد. محیط خانواده در تشکیل شخصیت انسان مؤثر بوده و قوانین و ضوابط موجود در آن در کودک و نوجوان اثر فراوانی دارد. نخستین چشم‌انداز از جهان پیرامون به وسیله خانواده و در خانواده به روی چشمان نوجوان باز می‌شود. آموزش‌های مهمی را نوجوان در خانواده کسب کرده و آماده می‌شود تا وارد اجتماع شود. والدین و خانواده به نوجوان کمک می‌کنند تا از عهده آن چه لازمه مستقل شدن است بر آمده و آماده ورود به دوران بزرگسالی شود. نیاز به خانواده و مخصوصاً والدین دلسوز و آگاه و با محبت ثابت گردیده است. نهاد خانواده، به علت تماس نزدیک اعضای آن و همین طور تاثیرات متقابلی که در رفتار یکدیگر دارند موجب می‌شود که محیطی مثبت و سرشار از عاطفه، محبت و احترام و یا محیطی منفی و سرشار از کینه‌توزی، ترس، اضطراب به وجود آید.

فرزندان، والدین و تعارض: تعارض یکی از جنبه‌های مهم در روابط اجتماعی انسان‌هاست. تعارض صورتی از کنش متقابل اجتماعی است. هر همکاری، عنصری از تعارض را در خود دارد و درگیر شدن



عضوی از اجتماع در خصوصیت تقریباً اجتناب‌ناپذیر است. به نظر زیمل تعارض نشانه یک مخالفت و خصومت است (واندنبرگ، ۱۳۸۶: ۷۷). تعارض هنگامی ظاهر می‌شود که افراد یا گروه‌ها اعمالی را انجام دهند یا به گونه‌ای رفتار کنند که برای دیگران قابل تحمل نباشد و یا نوعی رویارویی محسوب شود. از مظاهر این تعارض در سطوح خرد می‌توان به تعارض و اختلاف والدین و فرزند (نحوه لباس پوشیدن، رفتار کردن)، اختلاف بین معلم و شاگرد و در سطوح سازمانی به تعارض میان کارفرما و کارگر و در سطوح کلان به تعارضات میان کشورها اشاره کرد.

### تحقیقات پیشین

صادق و همکاران در سال ۱۳۸۴ پژوهشی را با عنوان مقایسه رفتارهای طبیعی جنسی در کودکان دختر و پسر ۷-۲ سال شهر گناباد (خراسان رضوی) و نحوه برخورد مادران از این رفتارها انجام دادند. نیازهای آموزش جنسی والدین را به روش توصیفی-تحلیلی بررسی کردند و نتایج نشان داد که تنها ۲۵/۹ درصد مادران قادر به پاسخگویی صحیح به سؤالات فرزندان‌شان بودند. نتایج، اهمیت آموزش و توان‌مندسازی مادران را نشان می‌دهد.

در پژوهشی که امینی و همکاران (۱۳۹۰)، با عنوان بررسی ضرورت وجودی و چگونگی توجه به تربیت جنسی در برنامه درسی مقطع متوسطه از دیدگاه دبیران و دانش‌آموزان انجام دادند نتایج تحقیق آن‌ها نشان داد که میانگین میزان توجه خانواده‌های شهر اصفهان به حوزه‌های اصلی تربیت جنسی یعنی بهداشت جنسی، اخلاق جنسی و آینده جنسی، پایین‌تر از سطح متوسط است. نتایج حاصل از این تحقیق، در مجموع بیانگر ناتوانی خانواده‌ها در زمینه تربیت جنسی فرزندان خود است. درک زنان از جامعه‌پذیری جنسی در ایران: یک مطالعه کیفی، عنوان پژوهشی است که توسط معصومی و همکاران در سال ۱۳۹۲ انجام شده است. این پژوهش با رویکرد تفسیری تحقیق کیفی و به روش تحلیل محتوای قراردادی انجام شده، داده‌ها از طریق ۱۷ مصاحبه فردی بدون ساختار و ۱۴ روایت زندگی جنسی با نمونه‌گیری هدف‌مند از میان زنان متاهل مراجعه کننده به ۵ مرکز بهداشتی-درمانی و یک کانون سلامت در شهر تهران و شیراز جمع‌آوری شد. در طی فرآیند تحلیل محتوا مشارکت کنندگان دو طبقه نهایی شامل محافظه‌کاری والدین در امور جنسی مرتبط با فرزند و سیستم‌های حمایتی منفعل جامعه را تبیین کردند. درون مایه اصلی این پژوهش شامل جامعه‌پذیری جنسی انفعالی از طبقات مذکور به دست آمد. نتایج نشان دهنده نیاز به ایجاد هوشیاری اولیه در سطح متولیان سلامت نسبت به لزوم تغییر الگوی جامعه‌پذیری حاضر نسبت به مسال جنسی می‌باشد. رویکرد محافظه‌کارانه و انفعالی نه تنها به معضلات این حوزه کمک نخواهد کرد، بلکه با احتمال آسیب‌های بیشتر همراه خواهد بود. با درک مبانی کلی الگوی ساختارگرایی اجتماعی، آموزش جنسی در قالب برنامه‌های آموزشی مدون اختصاصی سنی و ارائه خدمات تخصصی جهت پاسخ به نیازهای سلامت جنسی از سوی سیستم بهداشتی-درمانی متناسب با

ایدئولوژی اسلامی و هنجارهای عرفی و با رعایت اصولی تربیتی - اخلاقی پیشنهاد می‌گردد (معصومی و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۲۱).

عابدینی و همکاران (۱۳۹۵)، در پژوهشی که تحت عنوان مطالعه کیفی تجارب مادران از آموزش مسائل جنسی به دختران نوجوان با تأکید بر عوامل فرهنگی انجام دادند، که ۴ مضمون اصلی که هر کدام حاوی طبقات و زیر طبقاتی بودند، استخراج شد. مضامین اصلی عبارت بودند از: "آموزش درباره بلوغ و قاعدگی"، "آموزش درباره رابطه جنسی"، "سن مناسب برای آموزش مسائل جنسی" و "فرد مناسب برای آموزش مسائل جنسی" با وجود تمام تحولات فرهنگی در خصوص آموزش مسائل جنسی در خانواده‌ها هم‌چنان فرهنگ عرفی در جامعه و خانواده‌ها با بعضی جوانب آموزش مسائل جنسی با احتیاط برخورد کرده و مادران در این حیطة، احساس عدم کفایت می‌کنند. لذا طراحی و اجرای مداخلات آموزشی جهت ارتقای سطح آگاهی مادران و لزوم هماهنگی و همراهی خانه و مدرسه برای نتیجه‌گیری بهتر ضروری به نظر می‌رسد.

در پژوهش کیربی (۲۰۰۸)، که با عنوان آموزش مسائل جنسی به نوجوانان انجام داد به این نتیجه دست یافت که دو سوم این برنامه‌ها تأثیر مثبتی بر تغییر رفتار جنسی نوجوانان دارد. برنامه‌هایی که در آن‌ها از والدین به عنوان آموزش‌گرها استفاده شده است، تأثیرات بهتر و بیشتری روی کاهش آسیب‌های جنسی نوجوانان داشته است. کیربی و همکاران در سال ۲۰۱۱ در سلسله پژوهش‌هایی با عنوان «کاهش خطر جنسی نوجوانان» اقدام به معرفی روش‌هایی برای تدوین برنامه‌های درسی مرتبط با کاهش آسیب نمودند که از نتایج آن می‌توان به این موارد اشاره کرد: ۱. برنامه‌های آموزش تربیت جنسی میزان رفتارها و فعالیت‌های جنسی نوجوانانی را که دارای فعالیت جنسی هستند افزایش نمی‌دهد. ۲. برخی از فواید برنامه‌های تربیت جنسی عبارت‌اند از: تأخیر در برقراری اولین رابطه جنسی، کاهش فراوان فعالیت‌های جنسی، کاهش تعداد شرکای جنسی، افزایش فراوان استفاده از کاندوم و سایر راه‌های پیشگیری از بارداری و کاهش خطرات جنسی. ۳. برنامه‌های متنوع تربیت جنسی با توجه به مباحث مطرح‌شده در هر برنامه، توانایی تغییر رفتار در فرد را دارا می‌باشند.

آبید و همکاران (۲۰۱۴)، در پژوهش خود تحت عنوان مطالعه کیفی از برداشت جامعه نسبت به سوء استفاده جنسی از زنان و کودکان، تعدادی از عواملی که باعث تجاوز جنسی می‌شود را فرسایش هنجارهای اجتماعی جهانی شدن، فقر، آسیب‌پذیری کودکان، مواد مخدر و الکل و مراقبت ضعیف والدین دانستند و افراد شرکت کننده در بحث گروهی متمرکز نیاز به آموزش جامع برای بالا بردن دانش خود از خشونت‌های جنسی و عواقب آن و نقش خود به عنوان عوامل باز دارنده را درک کردند.

لوکانگو<sup>۱</sup> و همکاران در سال (۲۰۱۶)، مقاله‌ای تحت عنوان «مشارکت والدین در آموزش جنسی فرزندان‌شان در نامیبیا: یک چارچوب و یک برنامه آموزشی برای اقدام پیشرفته» را ارائه نمودند که در آن محقق به توصیف توسعه چارچوب مفهومی و برنامه آموزشی برای توان‌مندسازی والدین در منطقه اوهانگون برای شرکت در آموزش جنسیت فرزندان‌شان پرداخته بود.

### روش پژوهش

تحقیق حاضر از لحاظ هدف کاربردی و از بعد روش از نظریه بنیانی بهره برده است.

### شیوه استخراج و تحلیل داده‌ها

از آن جا که موضوع این تحقیق در درجه اول مستلزم مشاهده و گفتگوی رو در رو است و از طرفی به بررسی اندیشه‌ها، ذهنیت‌ها و احساسات افراد مورد مطالعه علاقمند است، لذا نظریه بنیانی که یکی از رایج‌ترین روش‌های تحقیق کیفی است، برای این منظور مناسب است. یکی از کاربردهای نظریه بنیانی زمانی است که هدف درک فرآیند و شیوه تجربه افراد باشد و این که این افراد چگونه تجربه‌شان را تفسیر می‌کنند. محقق نیاز به شیوه‌هایی برای کشف و درک پیچیدگی این تفسیر دارد. روش‌های کیفی به خصوص نظریه بنیانی به محقق جهت دستیابی به این هدف کمک می‌کند (بخشی، ۱۳۸۹: ۵۰).

### جامعه آماری و نمونه

جامعه مورد مطالعه در این پژوهش والدین نوجوانان ۱۳ تا ۱۵ سال دختر و پسر دوره متوسطه شهر تهران می‌باشد. موارد یا به عبارتی نمونه‌ها، مطابق با اصول نمونه‌گیری نظری انتخاب شده‌اند. نمونه‌گیری نظری بر خلاف نمونه‌گیری در روش‌های تحقیق کمی است. به این معنی که نمونه‌گیری نظری را نمی‌توان پیش از شروع فرآیند تحقیق برنامه‌ریزی کرد. اصل اساسی نمونه‌گیری نظری عبارت است از انتخاب موارد یا گروه‌هایی از موارد براساس محتوای‌شان و نه با استفاده از معیارهای انتزاعی روش شناختی. نمونه‌گیری بر مبنای مرتبط بودن موردها (با تحقیق) و نه نمایان بودن‌شان انجام می‌گیرد. این اصل، مشخصه استراتژی‌های مربوط به گردآوری داده در تحقیق کیفی نیز به شمار می‌آید. رایج‌ترین جوابی که در رابطه با حجم نمونه داده‌اند، این است که "نمونه‌گیری را آن قدر ادامه دهید تا به اشباع نظری برسید". به عبارت دیگر، گردآوری اطلاعات را باید تا موقعی ادامه داد که افزایش اطلاعات، مفاهیم، مقولات، خرده مقولات و تنوع‌های جدید بدست ندهد. با این که اطمینان صد در صد ممکن است هرگز حاصل نشود. به هر حال محقق باید آن قدر نمونه‌گیری کند تا خود مطمئن شود و خوانندگان‌ش را متقاعد کند که چیزی جا نمانده است (محمدی، ۱۳۸۷: ۷۲).

<sup>۱</sup>. Lukanga

### روند تجزیه و تحلیل داده‌ها

روند تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از پژوهش در سه مرحله انجام گرفته است:

۱. کدگذاری باز<sup>۱</sup>، ۲. کدگذاری محوری<sup>۲</sup>، ۳. کدگذاری انتخابی<sup>۳</sup>.

در کدگذاری باز، عمل مفهوم‌سازی صورت می‌گیرد، به این ترتیب که یادداشت‌های میدانی و کلیه نوشته‌های جمع‌آوری شده حاصل از مصاحبه‌ها، بازخوانی می‌شود و جملات اصلی موجود در نوشته‌ها بیرون کشیده می‌شود. سپس عبارت‌ها و جمله‌هایی که ماهیت مشابه دارند با یکدیگر ادغام می‌شوند و زیر طبقه‌ها تشکیل می‌گردند. در مرحله کدگذاری محوری، زیر طبقه‌های حاصل از مرحله قبل، دسته‌بندی می‌شوند و طبقه‌های جامع و مانع تشکیل می‌شود. در مرحله آخر یعنی کدگذاری انتخابی، تمامی مراحل به صورت توأم مورد توجه قرار می‌گیرد و مفهوم اصلی که داده‌ها را حول یک محور قرار می‌دهد، شناسایی می‌شود (برزو و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۵۷). به منظور احراز اعتبارپذیری تحقیق از تکنیک‌های زیر استفاده شده است:

۱. تکنیک کسب اطلاعات دقیق موازی<sup>۴</sup>: در این روش، تحلیل‌های داده‌ای و نتایج آن به متخصصان امر ارائه می‌شود تا به غنای قابلیت اعتبار پژوهش افزوده شود.

۲. خودبازبینی محقق<sup>۵</sup>: در طی فرآیند جمع‌آوری و تحلیل داده یکی دیگر از روش‌هایی است که در این پژوهش، جهت افزایش قابلیت اعتبار پژوهش استفاده خواهد شد.

همچنین، استفاده از فرایندهای ساخت یافته از مصاحبه‌های همگرا، سازماندهی فرایندهای ساخت یافته برای ثبت، نوشتن و تفسیر داده‌ها و استفاده از کمیته راهنما برای ارزیابی و اجرای برنامه مصاحبه برای ارتقای اعتبارپذیری در روش کیفی می‌تواند مفید فایده باشد (بوداکی، ۱۳۹۵).

### یافته‌ها

محصول مصاحبه عمیق با ۳۰ نفر از والدین که در شهر تهران ساکن بودند، دست‌یابی به داده‌هایی در خصوص عوامل زمینه‌ساز بر تربیت صحیح جنسی بود که با وارد کردن آن‌ها به فرآیند کدگذاری مفاهیمی به دست آمد که از طریق آن‌ها محوری‌ترین عوامل زمینه‌ساز تربیت جنسی آشکار می‌شود. در ادامه در جداول جداگانه کدگذاری‌های باز و محوری و گزینشی آورده شده است.

روند تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از پژوهش در سه مرحله انجام شده است:

۱. کدگذاری باز، ۲. کدگذاری محوری و ۳. کدگذاری گزینشی.

<sup>۱</sup>. Open coding

<sup>۲</sup>. Axial coding

<sup>۳</sup>. Selective coding

<sup>۴</sup>. peer debriefing

<sup>۵</sup>. self-monitoring

## ۱. کدگذاری باز:

در کدگذاری باز، عمل مفهوم‌سازی انجام می‌گیرد، به این ترتیب که یادداشت‌های میدانی و کلیه نوشته‌های جمع‌آوری شده حاصل از مصاحبه‌ها، بازخوانی می‌شود و جملات اصلی موجود در نوشته‌ها بیرون کشیده می‌شود. سپس عبارت‌ها و جمله‌هایی که ماهیت مشابه دارند با یکدیگر ادغام می‌شوند و زیر طبقه‌ها تشکیل می‌گردند.

## جدول شماره (۱): کدگذاری باز

کدگذاری باز		
رعایت حلال و حرام	خویش‌دار و با عفاف بودن والدین و آگاهی فرد از حکمت آفرینش گزینه جنسی تقویت آن‌ها در فرزندان	
آگاه‌سازی نوجوان از رعایت مسائل دینی و شرعی دختر و پسر	دوستی با افراد پای‌بند حلال و حرام آگاه کردن کودک از دوران کودکی بر پوشاندن اندام‌های جنسی	
دانستن اثرات مثبت و منفی جسمی و روحی آن	آگاه کردن والدین از متفاوت بودن نیازهای جنسی فرزندان بر حسب سن نگاه کردن به نیازهای جنسی همانند سایر نیازها	
آگاهی از نحوه ارتباط با جنس مخالف	آگاهی فرد به مراحل رشد جسمی صحبت کردن با کودکان در جهت پرهیز از پنهان‌کاری	
آشنایی اولیه با مفاهیم جنسی در خانواده	آگاهی والدین از مسائل جنسی کودکان و زمان مناسب انتقال مفاهیم توجه کردن به غرایب جنسی فرزندان از دوران کودکی	
آگاه کردن کودکان از تفاوت جسمانی و جنسی دختران و پسران متناسب با سن آن‌ها	شناخت ویژگی و خصوصیات جنسی خود اهمیت دادن والدین به تربیت جنسی کودکان فرزندان	
دوری کردن از غلبه نگاه بزرگسالی بر مسائل جنسی فرزندان	آگاه بودن والدین از پیامدهای منفی آگاه نکردن نوجوانان از امور جنسی آشنا کردن کودک و نوجوان با علائم بلوغ جنسی و کارکردهای جنسی بدن‌شان	
آشنایی با نیازهای جنسی کودکان از دریچه نگاه کودک	آشنا کردن فرزندان با نحوه تولید مثل، متناسب با سن آن‌ها کسب مهارت خود مراقبتی در مقابل بیماری‌ها و انحرافات جنسی	
آگاهی از نقش همسر، مادر و پدر شدن	احترام به حریم خصوصی (مانند جدا خوابیدن کودک از پدر و مادر) رعایت حریم‌ها در منزل توسط والدین و فرزندان بزرگ‌تر	
رعایت نکات بهداشتی	آشنایی با روش‌های کنترل گزینه جنسی پاک نگه داشتن فضای خانه از رفتارهای نامناسب	
پاسخ دادن به پرسش‌های جنسی کودکان متناسب با سن آن‌ها	پرهیز از شوخی‌های جنسی در خانواده جداسازی بستر کودکان	
وجود مهارت‌های ارتباطی خوب بین والدین و فرزندان	انتخاب بهترین الگوی تربیتی فرزند (نه فرزندپروری و نه اقتدارگرایی مطلق) پرداختن به مسائل جنسی در قالب کتاب‌های درسی	
هماهنگ بودن مدرسه و خانواده	آگاهی اولیای مدرسه و معلمان از تربیت جنسی وجود منابع و موارد آموزشی در رابطه با تربیت جنسی	
وجود سیاست اجرایی شخصی در مدارس برای تربیت جنسی	وجود مربیان بهداشت در مدارس توجه بر چگونگی زمان‌بندی فعالیت‌ها برای دانش‌آموزان در مدارس	
حساسیت‌زدایی از صحبت کردن در امور	آگاه‌سازی والدین در مورد تربیت جنسی از حساسیت‌زدایی از امور جنسی مربوط به	

جنسی بین والدین و معلمان	طریق رسانه و مدرسه	کودکان همراه با تقویت شرم و حیا
وجود معلم متخصص در حوزه تربیت جنسی	استفاده از اینترنت پاک و ترویج آن در	نظارت والدین و مدارس بر نحوه گذران
در مدارس	مدارس	اوقات فراغت و انتخاب دوستان
آموزش نحوه تربیت صحیح جنسی فرزندان در	سوق دادن جوانان به سمت ورزش و کارهای	نظارت بر هم بازی‌ها و دوستان در مدرسه
مدارس به والدین	فرهنگی در اوقات فراغت	
نظارت کردن والدین بر وضعیت تحصیلی و	راهنمایی و آموزش بچه‌ها در مورد استفاده از	پاسخ به سوالات جنسی دانش‌آموزان در
شناسایی آسیب‌های اثرگذار بر آن از طریق	فضای مجازی و اینترنت در مدرسه	مدارس از طرق معلمان بهداشت و متخصص
ارتباط با مدرسه		
کاستن از حساسیت‌های بی‌مورد در رابطه با	وجود حساسیت به اندازه و آگاهی زیاد در	نهادینه کردن درست ارزش‌ها و هنجارهای
مسائل جنسی در جامعه برای برخورد بهتر به	رابطه با نحوه تربیت جنسی صحیح فرزندان	جنسی جامعه در کودکان و نوجوانان
مسائل جنسی کودکان و نوجوانان	در بین خانواده‌ها	
برگزاری دوره‌های آموزشی برای والدین و	تعریف قواعد جدید جنسیتی در جامعه بر حسب	ارتباط عاطفی مستمر بین والدین و فرزندان
کودکان برای آشنایی بهتر با تربیت صحیح	پیشرفت جامعه و تکنولوژی که بالطبع دامنه	
جنسی	کنترل والدین بر فرزندان را کاهش داده است	
آموزش مسائل جنسی در موقعیت‌های گفتگو	احساس راحتی کردن بچه‌ها با والدین	داشتن حس درون‌نگری همدلانه
دوری گردن از غلبه نگاه بزرگسالی بر مسائل		
جنسی فرزندان		

## ۲. کدگذاری محوری:

در این مرحله زیر طبقه‌های حاصل از مرحله قبل، دسته‌بندی می‌شوند و طبقه‌های جامع و مانع تشکیل می‌شوند.

### جدول شماره (۲): کدگذاری محوری

کدگذاری باز	کدگذاری محوری
آگاه کردن و یاد دادن امور حلال و حرام در رابطه با مسائل جنسی، خویشتن‌دار بودن والدین و انتقال آن و مسائل دیگر مانند حجاب و عفاف به فرزندان، آگاهی فرزندان از حکمت آفرینش غریزه جنسی، آگاه‌سازی نوجوانان از رعایت مسایل دینی و شرعی دختران و پسران، دوستی و ارتباط با افراد پای‌بند به اخلاقیات و امور دینی	آگاهی از مسائل دینی در رابطه با تربیت جنسی
آگاه کردن کودک از همان دوران کودکی مبنی بر پوشش کامل اندام‌های جنسی، آگاهی والدین از اثرات مثبت و منفی جسمی و روحی نیاز جنسی کودک، آگاهی والدین از تفاوت بودن نیازهای جنسی کودکان بر حسب سن، نگاه کردن به نیاز جنسی همانند سایر نیازها، آگاه کردن کودک از نحوه ارتباط با جنس مخالف، آگاهی کودک و والدین از مراحل رشد جسمی و برخورد و رفتار متناسب با آن، آشنا کردن کودک با مفاهیم اولیه جنسی در خانواده، آگاهی والدین از مسائل جنسی کودکان، توجه کردن به غرایض جنسی فرزندان از دوران کودکی، آگاه کردن کودکان از تفاوت جسمانی و جنسی دختران و پسران متناسب با سن آن‌ها، شناخت ویژگی و خصوصیات جنسی خود فرزندان، آگاهی والدین از اهمیت تربیت جنسی فرزندان، آگاه بودن والدین از پیامدهای منفی آگاه نکردن فرزندان از	آگاهی والدین از مسائل جنسی و اثرات جسمی و روحی آن

	<p>امور جنسی، آشنا کردن کودک و نوجوان با علائم بلوغ جنسی و کارکردهای جنسی بدن-شان، آشنایی با نیازهای جنسی کودکان از دریچه نگاه کودک و آشنا کردن فرزندان با نحوه تولیدمثل متناسب با سن آنها</p>
<p>نمایش رفتارهای مناسب در خانواده از سوی والدین</p>	<p>رعایت حریم خصوصی در منزل از سوی والدین و یادگیری بچه‌ها از آنها، احترام به حریم خصوصی همدیگر، رعایت نکات بهداشتی در رابطه با اعضای بدن و انتقال این مفاهیم به بچه‌ها، پاک نگه داشتن فضای خانه از رفتارهای نامناسب، پرهیز از شوخی‌های جنسی در خانه و در بین اعضای خانواده و جداسازی بستر خواب کودکان</p>
<p>آگاهی و مسلط بودن والدین به یک سری از مهارت-های ارتباطی در جهت ارتباط بهتر با کودکان</p>	<p>برقراری ارتباط دوستانه بین والدین و کودکان، صحبت کردن با کودکان در فضای دوستانه در مورد روش‌های کنترل و ارضای نیاز جنسی، پاسخ دادن به پرسش‌های جنسی کودکان از طریق ارتباط مستمر داشتن با کودک، انتخاب بهترین الگوی تربیتی فرزند (نه فرزندپروری و نه اقتدارگرایی مطلق)</p>
<p>تربیت جنسی در قالب آموزش مدارس</p>	<p>پرداختن به مسائل جنسی در قالب کتاب‌های درسی، هماهنگ بودن مدرسه و خانواده، آگاهی اولیای مدرسه و معلمان از تربیت جنسی، وجود منابع و موارد آموزشی در رابطه با تربیت جنسی، وجود سیاست اجرایی مشخص در مدارس برای تربیت جنسی، وجود مربیان بهداشت در مدارس، توجه بر چگونگی زمان‌بندی فعالیت‌ها برای دانش‌آموزان در مدارس، حساسیت‌زدایی از صحبت کردن در امور جنسی بین والدین و معلمان، آگاه‌سازی والدین در مورد تربیت جنسی از طریق رسانه و مدرسه، وجود مشاور متخصص در حوزه تربیت جنسی</p>
<p>آموزش والدین و اجتماعی کردن و انتقال درست هنجارها و ارزش‌های جنسی به فرزندان</p>	<p>کاستن از حساسیت‌های بی‌مورد در رابطه با مسائل جنسی در جامعه برای برخورد بهتر با مسائل جنسی کودکان و نوجوانان، افزایش آگاهی عمومی در بین خانواده‌ها، نهادینه کردن درست ارزش‌ها و هنجارهای جامعه در رابطه با مسائل جنسی، برگزاری دوره‌های آموزشی برای والدین و کودکان در این رابطه، تعریف قواعد جدید جنسی در جامعه بر حسب پیشرفت جامعه، حتی اگر والدین در خانواده از ماهواره استفاده می‌کنند باید برنامه‌هایی که دارای تصاویر تحریک‌کننده جنسی هستند را تماشا نکنند.</p>
<p>وجود ارتباط عاطفی در خانواده</p>	<p>ارتباط عاطفی مستمر بین والدین و فرزندان، آموزش مسائل جنسی در موقعیت‌های گفتگو، احساس راحتی کردن کودکان با والدین در رابطه با ابراز مسائل جنسی، وجود حس درون-نگری همدلانه در والدین نسبت به مسائل جنسی فرزندان و دوری گزیدن از غلبه نگاه بزرگسالی بر مسائل جنسی فرزندان</p>
<p>نظارت مدارس بر فعالیت‌های کودکان و نوجوانان در مدرسه و همکاری با والدین در این زمینه</p>	<p>نظارت والدین و مدارس بر نحوه گذران اوقات فراغت و انتخاب دوستان نوجوانان، نظارت بر هم بازی‌ها در مدارس بر حسب سن بچه‌ها، آسیب‌شناسی افت تحصیلی دانش‌آموزان از سوی مدارس و ارائه مشاوره به والدین آنها، راهنمایی و آموزش بچه‌ها در مورد استفاده از فضای مجازی و اینترنت در مدارس به بچه‌ها</p>

### ۳. کدهای گزینشی:

در این مرحله، مقوله‌ها به صورت یک شبکه با هم در ارتباط قرار می‌گیرند. یافتن کدهای مشترک و مقوله‌بندی محوری نیز مستلزم استفاده از روش مقایسه‌ای ثابت است. در این مرحله، به تدریج نظریه ظهور می‌یابد. هدف این مرحله از کدبندی، بازگرداندن نظم و انسجام به داده‌های کدبندی شده، دسته-بندی، ترکیب و سازماندهی میزان زیادی از داده‌ها و باز جمع کردن آنها به شیوه جدید است. بنابراین در

این قسمت، بعد از شناخت مفاهیم به مقولاتی اشاره می‌کنیم که از سطح انتزاعی بالاتر برخوردارند. این مقولات سنگ بنای ساخت نظریه می‌باشند. یافته‌ها نشان می‌دهند که مفاهیم کلی طرح شده از سوی پاسخگویان شامل مقولات زیر می‌باشد:

### عوامل خانوادگی (وجود ارتباط عاطفی در بین اعضای خانواده)

یکی از عوامل مهمی که منتهی به تربیت صحیح جنسی در یک خانواده می‌شود وجود روابط عاطفی بین والدین و فرزندان می‌باشد. درحقیقت وجود روابط صمیمانه بین والدین و فرزندان زمینه را برای انتقال صحیح مفاهیم در همه زمینه‌ها و به خصوص در زمینه جنسی را فراهم می‌کند. درحقیقت هر چه قدر بین والدین و کودکان صمیمت بیشتر باشد و این صمیمیت با رشد کودک به نوجوانی و جوانی همراه باشد باعث می‌شود کودکان و نوجوانان سوالات و مواردی که مربوط به زمینه جنسی می‌باشد را از والدین بپرسند و این میزان انحراف جنسی را در بین نوجوانان کاهش می‌دهد. به عبارت دیگر این صمیمیت مانع پنهان کاری می‌شود و فرد را از افتادن در مسیر خلاف ارزش‌های جامعه نجات می‌دهد. بر اساس مصاحبه‌هایی که صورت گرفته است آن‌ها معتقد بودند چنانچه بذر خانواده صمیمت وجود داشته باشد و پدر و مادر با فرزندان‌شان به واسطه صمیمیت بتوانند در جریان مسائل و مشکلات یا نیازهای آن‌ها قرار بگیرند بهتر می‌توانند به نوجوانان در این زمینه کمک بکنند. یکی از پاسخگویان در این مورد می‌گوید:

«باید با بچه‌های امروزی از در رفاقت و دوستی وارد شد تا بشه با اون‌ها صحبت کرد و پی به مشکلات آن‌ها برد. به نظر من مادران باید با دختران‌شان و پدران باید با پسران‌شان این رابطه را داشته باشند. به خصوص امروزه که دسترسی کودکان و نوجوانان به تصاویر و فیلم‌های جنسی خیلی راحت‌تره و این مشکل را چند برابر می‌کند. در زمان ما چون بالطبع این چیزها نبود بلوغ زودرس هم شکل نمی‌گرفت به واسطه این چیزها. اما امروزه والدین حتماً باید با اون‌ها علاوه بر مادر و پدر بودن باید عین یک دوست صمیمی باشند تا بچه‌ها بتوانند سوالات‌شون را در اون مورد از ماها بپرسند و زمینه این هم وجود صمیمیت در خونه است.»

امروزه با توجه به زمینه‌های وسیع انحراف، به ویژه انحراف جنسی از طریق عواملی مانند تلویزیون، سینما، اینترنت و ماهواره و شدت تأثیرپذیری کودکان، نوجوانان و جوانان از این عوامل، ضرورت توجه به شیوه‌های کاربردی تربیت صحیح و تبیین شیوه‌های کاربردی که والدین آشنا به تعلیمات الهی و آگاه از جنبه‌های شناختی، عاطفی و رفتاری آدمی در دوره‌های مختلف رشد مطرح کرده‌اند، ضرورت بیشتری پیدا کرده است.

درحقیقت این مقوله بیشتر به بعد غیر مستقیم تربیت جنسی می‌پردازد. در تربیت جنسی غیر مستقیم، جنبه‌هایی است که به نحوی بر رفتارهای جنسی تأثیر می‌گذارد؛ مانند محبت به کودک، ارضای نیازهای روانی و اموری مانند آن. مسائل مربوط به تربیت جنسی غیر مستقیم، اگر چه جنبه عام تربیتی دارند و



مستقیماً با تربیت جنسی مرتبط نیستند، اما از آن جا که به نحوی با مسائل جنسی ارتباط پیدا می‌کند، رشد طبیعی جنسی در دختر و پسر را تسهیل می‌نمایند و آن‌ها را از انحرافات و اختلالات جنسی مصون نگه می‌دارند. بر اساس تعالیم دین اسلام و نظر جامعه‌شناسان و روان‌شناسان، والدین موظفند تا از همان آغاز تولد فرزند، زمینه رشد و تربیت طبیعی از جمله رشد و تربیت جنسی او را فراهم سازند.

#### - آگاهی از مسائل دینی در خانواده در رابطه با مسائل جنسی

با توجه به مصاحبه‌ای که انجام داده شد در خلال مصاحبه این طور به نظر می‌رسید که ضمن این که والدین نقش دین را در کمک به خانواده‌ها در زمینه تربیت جنسی را پر رنگ می‌دانستند، اما بعضاً فکر می‌کردند که از منظر دینی نباید با کودکان در مورد مسائل جنسی صحبت کرد. اما بررسی روایات و احادیث نشان می‌دهد که همه پیشوایان ما این نیاز را که وسیله‌ای اصلی برای تولیدمثل و افزایش جمعیت است را مورد نکوهش قرار ندادند و بر تربیت و کنترل صحیح آن از سوی خانواده‌ها و خود فرد تاکید کردند. البته این تناقض در بین برخی خانواده‌ها شاید از نبود اطلاعات و آگاهی کافی در زمینه مسائل دینی و جنسی باشد.

اسلام با تأمین گزینه جنسی مخالفتی نداشته بلکه آن را لازمه زندگی توأم با آرامش می‌داند و بقای نسلی انسان را منوط به آن شمرده است (سبحانی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۲: ۳۰). در مورد تاکید بر آموزش احکام دینی در بین پسران و دختران در خلال مصاحبه برخی این طور بیان کردند که: «به نظر من چون جامعه ما اسلامی است و در دین ما موارد زیادی است که می‌توانند به والدین کمک کنند تا بچشون درست تربیت بشود. عواملی مانند حجاب، احکام جداگانه دختر و پسر، نحوه ارتباط جنس مخالف و ... می‌تونن به ما کمک کنن».

یا در مصاحبه دیگر یکی از والدینی که مورد مصاحبه قرار گرفتند این طور بیان کردن که: «من خودم آدم مذهبی و معتقدی هستم و واقعاً به این جور چیزا حساس هستم و حتی وقتی با دختر یا پسر میام بیرون و یه آدمی که هنجارها را رعایت نمیکنه برخورد می‌کنیم یا در خیابون می‌بینیم، می‌ترسم بچه‌هام دچار تناقض بشن و نتونم به سوالاتشون پاسخ بدم و ...».

و یا یکی دیگر این طور بیان می‌کند که: «اگر والدین بتونند مفاهیم دینی را به بچه‌هاشون درست منتقل کنند و در مورد مسایل جنسی و نحوه برخوردشون با سوالات جنسی براساس آموزه‌های دینی عمل کنند و از یک مشاور دینی کمک بگیرند کاملاً موفق می‌شوند و ...». اسلام دینی است که به همه جوانب زندگی بشر پرداخته و شرم و حیا، عفت و پاکدامنی را در مسائلی چون مسائل جنسی آورده است.

### - آگاهی والدین از مسائل جنسی و اثرات جسمی و روحی آن

با توجه به این که تربیت جنسی، هویت جنسی فرد را شکل می‌دهد آگاهی والدین و متعاقب آن آگاهی کودکان و نوجوانان در زمینه امور جنسی نقش به‌سزایی در شکل‌گیری هویت جنسی افراد بازی می‌کند. به عبارت دیگر والدین باید بر حسب تغییرات جامعه و بر حسب نیاز کودکان آگاهی لازم را در رابطه با تربیت فرزندان و به خصوص تربیت جنسی را داشته باشند تا بتوانند با دادن آگاهی به فرزندان و تغییر نگرش آن‌ها زمینه را برای تغییر رفتارهای کودکان در زمینه امور جنسی را فراهم کنند. در حقیقت رفتارهای فرد تابعی از هویت و شخصیت افراد است و هر چه قدر این هویت به درستی پی‌ریزی شده باشد رفتار هم به آن میزان تغییر خواهد کرد. و خود هویت تابع یک سری عوامل دیگر است که آگاهی فرد از پارادایم غالب اجتماعی و تغییر نگرش از جمله آن عواملند. در باب اهمیت این موضوع باید گفت که والدین نمی‌توانند نسبت به گزینه جنسی فرزندان به بهانه نبود آگاهی و ... بی‌تفاوت باشند، چرا که تربیت جنسی از دشوارترین و حساس‌ترین تربیت‌ها بوده که اندک اشتباه و غفلتی در آن ممکن است کودکان را به وادی فساد بکشاند (امینی، ۱۳۸۶). در حقیقت بسیاری از دشواری‌های جنسی بزرگسالی، پایه و اساسی در دوره خردسالی دارند (وار، ۱۹۹۹).

### - ارائه رفتارهای مناسب در خانواده از سوی والدین

نقش والدین علاوه بر این که در زمینه دادن آگاهی به فرزندان مهم است، در زمینه ارائه رفتارهای مناسب به صورت عملی در حوزه تربیتی و الگودهی به فرزندان مهم و اساسی می‌باشد. این فرایند از طریق تئوری یادگیری بندورا قابل بحث است. در نظریه یادگیری اجتماعی آلبرت بندورا گفته می‌شود که یادگیری افراد از طریق مشاهده، تقلید و مدل‌سازی رخ می‌دهد. بنا بر مشاهده و تقلید، به طور ناخودآگاه در بسیاری از افراد یادگیری به صورت مثبت و منفی انجام می‌گیرد و پیامدهای ثمربخش، یا زیان‌بار خود را به دنبال خواهد داشت. یکی از مصاحبه‌شوندگان در این باره می‌گوید: «این خیلی مهم است که پدر مادرها چطور جلوی بچشون با همدیگه رفتار بکنند. منظورم مثلاً رفتارهای جنسی. خوب بعضیا واقعاً رعایت نمی‌کنند و وقتی بچه‌ها این‌ها را می‌بینند واقعاً تحریک میشن دیگه و بیا این و جواب بده. به نظر من هم والدین باید رعایت کنند و هم این که در بعضی از مهمونی‌ها که می‌دونن این مسائل رعایت نمیشه بچه‌هاشون را نبرن. به نظر من این رفتار باید رعایت بشن در خونه مثل: خودداری از انجام عمل جنسی در برابر کودکان، اجازه گرفتن کودکان برای ورود به اتاق والدین، خودداری از بوسیدن و در آغوش گرفتن کودکان نامحرم پس از سن معین، جداسازی بستر کودکان، جلوگیری از بازی‌های جنسی کودکان و ...».

### – مهارت‌های ارتباطی والدین برای ارتباط بهتر با فرزندان

آشنا بودن والدین با یک سری از مهارت‌های ارتباطی کار و وظیفه آن‌ها را در جهت تربیت جنسی کودکان تسهیل می‌کند. والدین باید بتوانند با کودکان خود ارتباط برقرار کنند. امروزه با توجه به گسترش شهرنشینی و تقسیم کار و اشاعه اشتغال زنان در جامعه به نظر می‌رسد نهاد خانواده وظایف خود در زمینه تربیت را به نحو احسن انجام نمی‌دهد چرا که والدین وقت کافی برای گذراندن اوقات خود و ارتباط با کودکان را ندارند که این باعث شده است خانواده‌ها از انجام دادن وظیفه اصلی باز مانند و این وظیفه را بر عهده نهاد دیگری یعنی نهاد آموزشی قرار دادند. با توجه به مشکلات مذکور و در کنار آن‌ها رواج جهت‌گیری‌های ارزشی فردگرایی در بین جوان همراه با استفاده از اینترنت و دنیای مجازی، زمینه برای آسیب‌پذیری بیشتر در حوزه انحرافات جنسی مهیاتر شده است. آگاهی والدین از شرایط خودشان و شرایط جامعه و کودکان باید آن‌ها را به سمت گذراندن وقت بیشتر با کودکان‌شان بکند. اما صرف گذراندن وقت شاید زیاد به والدین در زمینه تربیت جنسی کمک نکند لذا آن‌ها باید مسلح به یک سری از مهارت‌های ارتباطی باشند تا بتوانند با فرزند خودشان در زمینه مسائل مختلف زندگی از جمله مسائل جنسی صحبت کنند و این می‌تواند از طریق ایجاد فضای گفتگو در خانواده و ایجاد وضعیت درون‌نگری همدلانه اتفاق بیفتد. کودکان در خانواده باید احساس راحتی بکنند و خانواده را به عنوان جایی که می‌تواند به همه پرسش‌ها و مشکلاتش پاسخ بدهد، بشناسد.

در این رابطه یکی از والدین به ما می‌گوید که: «این مهم است که والدین بتوانند با بچه‌های خودشان در زمینه مسائل مختلف از جمله مسائل جنسی صحبت کنند. ولی من فکر می‌کنم متأسفانه در جامعه ما این اتفاق به علل مختلفی در خانواده‌ها رخ نمی‌دهد و بچه‌ها بیشترین اطلاعات را از بیرون از خانواده می‌گیرند که اون‌ها غالباً همراه با انحراف است و نبود ارتباط موثر بین والدین و بچه‌ها باعث پنهان‌کاری میشه و این کار تا آخر ادامه پیدا می‌کنه ...»

### عوامل مربوط به آموزش و مدرسه (نظارت مدارس بر فعالیت‌های کودکان و نوجوانان در مدرسه و

#### همکاری با والدین در این زمینه، تربیت جنسی در قالب آموزش مدارس)

– مدرسه محیطی است که می‌تواند از ابعاد گوناگون، شخصیت دانش‌آموزان را تحت تأثیر خود قرار دهد. مربیان، همکلاسی‌ها و سایر عوامل نیز هرکدام می‌توانند نقش ارزش‌مندی را در تربیت صحیح ایفا نمایند. یکی از دغدغه‌های خانواده‌ها و مدارس، تربیت جنسی دانش‌آموزان مطابق با آموزه‌های اسلامی و ارزش‌های حاکم بر جامعه است و با تغییر در نحوه زندگی و گستردگی وسایل ارتباط جمعی هم‌چون گوشی‌های همراه که حاوی فیلم، عکس و دسترسی نامحدود به اینترنت هستند، پرداختن به آن امری ضروری به نظر می‌رسد. موضوع تربیت جنسی در کنار تعلیم و آموزش، یکی از اهداف مدارس بوده که با وجود مربیان مشاوره و اختصاص برنامه‌های آموزشی، نشانه نیاز، ضرورت و اهمیت این مسأله در مدارس است و می‌تواند در کنترل و پیشگیری از انحرافات اخلاقی مؤثر باشد.

۱. مرحله نخست در تربیت جنسی پیشگیری از انحراف در مدارس است.
۲. مرحله پیشگیری از لغزش، بر انحراف تقدم دارد؛ زیرا اگر کسی دچار انحراف شود، به سادگی نمی‌توان او را هدایت کرد؛ به ویژه اگر آن فرد جوان باشد؛ چرا که شیوه رفتار با افراد منحرف، هنر، حوصله و ظرفیت خاص خود را می‌طلبد که فقط عده کمی از مریبان می‌توانند با این افراد رابطه صمیمانه برقرار کرده به آن‌ها کمک کنند.

### **آشنا کردن دانش‌آموزان با آثار و پیامدهای سوء انحرافات جنسی**

یکی از عوامل ارتکاب کجروی‌ها و انحرافات، ناشی از جهل و ناآگاهی دانش‌آموزان نسبت به آثار و پیامدهای سوء آن است.

### **فضای مناسب آموزشگاه**

مریب باید فضای مناسب و جوی سالم را در محیط آموزشگاه فراهم نماید؛ در غیر این صورت، برخی مسائل هم چون: شنیدن کلمه یا داستان رکیک یا رؤیت عکس و فیلم نامناسب، سبب بیداری غریزه جنسی دانش‌آموزان قبل از موعد مقرر شده، گاهی آن‌ها را منفعل و به انحراف می‌کشاند.

### **نقش مریبان و معلمان آموزشگاه**

معلم و استاد نباید نسبت به اخلاق و رفتار آزاد و بی‌تفاوت باشند؛ زیرا محدوده اخلاقیات، فراتر از هر شخص است. بنابراین معلم، مسؤلیت تعدادی از انسان‌های معصوم را نیز بر عهده گرفته است که باید به این مسؤلیت سنگین، ارزش‌مند، میزان و مقدار نفوذش در دانش‌آموزان خوب بیندیشند و با اصلاح اخلاق و رفتار خویش، بهترین الگوها را در اختیار دانش‌آموزان و یا دانشجویان قرار دهد (امینی، ۱۳۸۴: ۱۰۱). زیرا آن چه در فرایند تعلیم و تربیت به متعلم انتقال می‌یابد، تنها معلومات و مهارت‌های معلم نیست، بلکه تمام صفات، خلقیات، حالات نفسانی و رفتار ظاهری او نیز به شاگردان منتقل می‌شوند.

- دانش‌آموزی که حافظ بی‌چون و چرای مطالب معلم در کلاس است و عادت به فکر، نقد، تحلیل و اظهارنظر نکرده و تنها شنونده سخنان خطابی و در مواقعی عتابی معلم بوده است، در سنین بالاتر نیز در برابر رسانه‌هایی نظیر اینترنت و ماهواره همین روحیه را خواهد داشت و هر روز با دنبال کردن مد تازهای بدون آن که به آن فکر کند، آن را تقلید خواهد کرد.

- تسلط و اشراف معلم بر محتوای مواد درسی می‌تواند بهترین عامل برای جذب دانش‌آموزان باشد و یک معلم نمونه می‌تواند ضمن تدریس در موقعیت‌های مناسب، با برقراری رابطه دوستانه، شاگردانش را به عواقب برخی گناهان در دنیا و آخرت آشنا نماید تا بدین گونه آن‌ها را در برابر انواع انحرافات واکسینه کند.

- مربیان می‌توانند از طریق جریان‌های مشاوره و امور تربیتی متناسب با سن دانش‌آموزان، به آن‌ها پیام‌زنده‌ای از حریم‌های شخصی خود مراقبت کنند و احتمال بروز زمینه‌های انحرافی نوجوانان را از جانب همسالان آن‌ها به حداقل برسانند.

- هر معلم با تجربه و کاردانی می‌تواند در بعد شناختی و عاطفی بر دانش‌آموزان تأثیر بگذارد. در حوزه شناختی با تغذیه علمی و شناختی، رفتار و نگرش‌های شاگرد خود را تحت تأثیر خود قرار دهد و در حوزه عاطفی نیز می‌تواند با راهکارهای مناسب، انگیزه فرد را تغییر داده و انگیزه جدیدی را در او ایجاد نماید.

### **نقش دوستان و همسالان**

- به طور قطع، گروه دوستان بر یکدیگر تأثیر مثبت و منفی می‌گذارند؛ رابطه با افرادی که بدون هیچ گونه محدودیتی مسائل جنسی را علنی مطرح می‌کنند، حیا را از کودکان گرفته و ارزش‌های اخلاقی و دینی را در نظر آنان سست می‌کند و در نهایت آنان را به انحرافات جنسی می‌کشاند.

- با شروع بلوغ جنسی، مسائل تازه‌ای برای دانش‌آموزان به صورت سؤال یا بحث و اظهارنظر مطرح می‌شود و ممکن است با طرح یک سؤال و شنیدن جواب آن یا با گفتن یک جمله در قالب شوخی و مزاح جنسی و ... به مطلوب خود دست پیدا کنند.

- با توجه به ابهامات دانش‌آموزان در امور جنسی، ممکن است افرادی در محیط مدرسه یا کلاس با ایجاد رابطه، مصاحبت‌های بی‌مورد و گمراه‌کننده و نشان دادن عکس و فیلم مبتذل، آن‌ها را به فساد و انحراف بکشانند.

### **نقش کتب درسی**

- لازم است برای تألیف کتب درسی از کارشناسان و متخصصان امر یادگیری در تمام سطوح استفاده شود تا مطالب مفید و منطبق با نیازهای دانش‌آموزان در کتب درسی گنجانده شود. آموزش و پرورش با تألیف کتب جدیدی هم‌چون آشنایی با زندگی ائمه اطهار (ع) و گنجاندن آن در لیست دروس، می‌تواند ملاک و الگوی شایسته‌ای به دانش‌آموزان ارائه داده تا آن‌ها برنامه زندگی خود را بر اساس آن تنظیم کنند.

### **کنترل روابط دانش‌آموزان در خارج از آموزشگاه**

بسیاری از روابط خصمانه میان دانش‌آموزان در خارج از آموزشگاه صورت می‌پذیرد؛ زیرا فرد گمان می‌کند در محیط خارج از آموزشگاه کسی مراقب اعمال و رفتار او نیست و آزادانه به هر عملی دست می‌زند. گاهی ملاحظه شده دانش‌آموز ممتاز درسی و اخلاقی، در خارج از آموزشگاه حادثه‌ساز بوده؛ از این رو لازم

است والدین و مربیان، دانش‌آموزان را در محیط خارج از مدرسه نیز بدون نظارت رها نکنند. بنابراین مربیان در صورت امکان، برخی دانش‌آموزان را با جلسات مشاوره از خطر مرادده با افراد خاطی آگاه کرده و برای جلوگیری از گسترش فساد دانش‌آموزان منحرف و مغرض، تدبیری بیندیشند تا زمینه انحرافات اخلاقی نوجوانان به حداقل برسد.

### مرحله دوم: شیوه‌های اصلاح انحرافات اخلاقی در مدارس

هر گاه با دانش‌آموزی مواجه شدیم که دچار فساد اخلاقی است، مجاز نیستیم او را به زور وادار به اعتراف کنیم و از او بخواهیم تمام آن چه اتفاق افتاده است را بازگو نماید؛ بلکه اطلاع مری بر آن مسأله کفایت می‌کند؛ زیرا اسلام چنین اجازه‌ای نداده است و از طرفی فرد مبتلا نیز دچار احساس حقارت می‌شود.

مری بدین وسیله علاوه بر مرتفع نمودن مشکل، به بازسازی شخصیت آسیب دیده آن دانش‌آموز می‌پردازد و اگر مری او را وادار به شرح کامل آن چه اتفاق افتاده بنماید، در مرحله بازسازی شخصیت وی، دچار مشکلات عدیده‌ای می‌شود؛ زیرا نوجوان در مقابل مری احساس حقارت کرده و مری نیز نمی‌تواند با او ارتباط دوستانه‌ای برقرار کند.

اگر این احساس حقارت با طعنه‌های مری نیز همراه گردد، فرد به کلی تخلیه فکری شده و ممکن است به تمام ارزش‌های مورد قبول جامعه پشت پا بزند و از همین جا فرد بی‌حیاطر شده، به انواع گناهان کبیره رو آورد.

در چنین شرایطی این فرد، آبرو و حیثیتی ندارد تا از آن دفاع کند و به آن امیدوار باشد؛ از این رو به مربیان توصیه می‌شود تا با درایت و ظرافت خاصی با این افراد برخورد کنند تا در اصلاح آن‌ها موفق باشند (سلیم‌گندمی، ۱۳۹۰: ۷۸).

در این رابطه یکی از والدین این طور می‌گوید: «به نظر من الان مدارس بیشتر از خانواده می‌تونن اثرگذار باشند در نحوه تربیت بچه‌ها. الان شرایط جامعه و اقتصادی طوری است که اکثر خانواده‌ها واقعا اون طور که باید وقت نمی‌ذارن برای بچه‌هاشون. بنابراین مدارس کارشون و نقش‌شون پر رنگ‌تر میشه. مدارس می‌تونن از نظر آموزشی، فرهنگی و اجتماعی واقعا اثرگذار باشن. مثلاً من احساس می‌کنم پسرم از یکی از معلماشون خیلی حرف شنوی داره و اونو واسه خودش الگو قرار داده. ما هر وقت نتونیم با پسرمون خوب ارتباط برقرار کنیم و حرف‌مون را بهش منتقل کنیم یا نگرانی‌مون را بهش منتقل کنیم از ایشون کمک می‌گیرم و واقعا از ایشون ممنون هستیم به خاطر زحمتهایی که برای تربیت بچمون میکشن. علاوه بر این‌ها مدرسه می‌تونه با جمع کردن خانواده‌ها همراه با بچه‌هاشون مسیره‌های علمی را

برای حل مشکلات به ماها نشون بدن و از طریق آگاهی دادن به خانواده‌ها و یا کمک کردن به اون‌ها مسیر را برای تربیت صحیح جنسی فراهم بکنند و ...».

#### عوامل اجتماعی: آموزش والدین و اجتماعی کردن صحیح فرزندان

از دیدگاه جامعه‌شناسان، در همه فرهنگ‌ها، خانواده سازه بنیادین جامعه‌پذیری در دوران کودکی است. خانواده اولین نهادی است که اجتماعی شدن را به شخص آموزش می‌دهد. خانواده، گروه کوچکی است که ویژگی اساسی و غیر قابل تفکیک آن، صمیمیت آن است. اجتماعی کردن نسل آینده جزء بدیهی‌ترین و اساسی‌ترین وظایف خانواده است. محبت موجب استواری کانون خانوادگی است. بر اساس دیدگاه کارکردگرایی، نظام جامعه‌پذیری شامل خرده نظام‌های کوچک‌تر مانند نظام خانواده، آموزش و پرورش، وسایل ارتباط جمعی، همسالان و ... می‌باشد. وظیفه این نظام، تولید ارزش‌ها و هنجارهایی است که وجودشان برای مشروعیت یافتن و بقای کل نظام ضروری است. خانواده به عنوان یک نظام کوچک شامل افرادی است که در چارچوب روابط و مناسبات خاصی در برابر یکدیگر انجام وظیفه می‌کنند. مثلاً والدین وظیفه هدایت و کودکان وظیفه اطاعت را عهده‌دار هستند (گودرزی، ۱۳۷۲: ۷).

دیدگاه اینگلههارت پیرامون تغییر اجتماعی مبتنی بر تغییر ارزش‌ها به ویژه تغییر ارزشی بین نسلی است که دو فرض بنیادی دارد: ۱. فرضیه کمیایی، به این نکته اشاره دارد که اولویت‌های یک فرد، محیط اقتصادی و اجتماعی وی را منعکس می‌نمایند. ۲. فرضیه جامعه‌پذیری: مبتنی بر این قضیه است که رابطه بین محیط اقتصادی- اجتماعی و اولویت‌های ارزشی یک سازگاری آنی نیست، بلکه متأثر از شرایط جامعه‌پذیری فرد است (اینگلههارت، ۱۹۹۷: ۳۳). از دیدگاه نظریه یادگیری اجتماعی، پدیده‌های اجتماعی به طور عمده ناشی از تجاری هستند که با مشاهده رفتار دیگران و پیامدهای آن شکل می‌گیرند. توانایی آدمی برای یادگیری از طریق مشاهده، او را قادر می‌سازد تا الگوهای کلی رفتار را کسب کند. بنابراین، در مرکز این نظریه، فرایند «مدل یا الگوسازی» قرار دارد که در آن شخص رفتار معرفتی و اجتماعی دیگران را با مشاهده، چه به طور تصادفی و چه آگاهانه، یاد می‌گیرد. علاوه بر این، یادگیری در مشاهده‌گر با پاداش و تنبیه تقویت می‌شود. پس هر فرد مقدار زیادی از دانش‌ها، مهارت‌ها، ارزش‌ها و ... را با مشاهده رفتار، کردار و گفتار والدین، دوستان، معلمان و دیگر الگوها و نیز با مشاهده پیامدهای رفتار آنان کسب می‌کند. خانواده به مثابه میانجی در اجتماعی شدن طفل و همنوایی عمیق وی با هنجارهای اجتماعی، اهمیت ویژه‌ای دارد. جنبه‌های ژرف و نهان شخصیت انسان ناشی از آموزش و پرورش دوران کودکی است و از آن جا که نخستین سال‌های زندگی فرد در محیط خانواده می‌گذرد، و در این دوران است که پایه شخصیت گذاشته می‌شود، می‌توان به اهمیت خانواده و تأثیر آن در پرورش فرد و قوای روحی و اخلاقی‌اش پی برد. از نظر تالکوت پارسونز دو کارکرد اصلی خانواده عبارتند از: اجتماعی شدن اولیه و تثبیت شخصیت. اجتماعی شدن، اولین فرآیندی است که کودکان هنجارهای فرهنگی جامعه‌ای را می‌آموزند که در آن به دنیا آمده‌اند و تثبیت شخصیت به معنای نقشی است که خانواده با کمک و حمایت

عاطفی از اعضای بزرگسال خود بر عهده دارد. نهاد خانواده به عنوان هسته اولیه تولید و تربیت نسل‌های آینده، مهم‌ترین نقش را در هنجارمند ساختن افراد جامعه بر عهده دارد و به صورت مستقیم و غیرمستقیم در کاهش انحرافات و آسیب‌های اجتماعی دخالت دارد. همچنین، خانواده کوچک‌ترین واحد اجتماعی است که بنیان جامعه و حفظ عواطف انسانی را بر عهده دارد. اولین مکان رشد شخصیت، تشکیل باورها و الگوهای رفتاری فرد خانواده می‌باشد.

در این رابطه برخی از والدین در طول مصاحبه چنین بیان می‌کنند:

«این خیلی مهم است که ما والدین چه طور بچه‌هایمان را تربیت می‌کنیم و به اون‌ها چی یاد می‌دهیم. در حقیقت به نظر من والدین مسئول آن چیزی که بچه‌ها می‌شوند هستند. اگر ماها ارزش‌ها و هنجارها و به طور کلی نحوه برخورد با مسائل مختلف را به بچه‌هایمان یاد بدهیم و این که در موقعیت‌های متفاوت در رابطه با مسائل مختلف چگونه عمل کنند به نحوه عملکرد ما بر می‌گردد و...».

### نتیجه‌گیری و بحث

جامعه سالم نیازمند افرادی سالم و با هویت اجتماعی و فردی مناسب (هویت جنسی در قالب این دو مطرح می‌شود) است و این دو در نهاد خانواده پی‌ریزی می‌شود. از این رو، والدین باید به نقش مهم خود در شکل‌گیری هویت فرزندان توجه کنند. همان طور که ذکر شد در مرحله کدگذاری گزینشی ما با مقولات زیر روبرو بودیم:

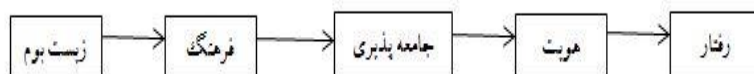
عوامل خانوادگی: وجود ارتباط عاطفی در بین اعضای خانواده، آگاهی از مسائل دینی در خانواده در رابطه با مسائل جنسی، آگاهی والدین از مسائل جنسی و اثرات جسمی و روحی آن، ارائه رفتارهای مناسب در خانواده از سوی والدین، وجود یک سری مهارت‌های ارتباطی در والدین برای ارتباط بهتر با فرزندان. عوامل مربوط به آموزش و مدرسه: نظارت مدارس بر فعالیت‌های کودکان و نوجوانان در مدرسه و همکاری با والدین در این زمینه، تربیت جنسی در قالب آموزش مدارس. عوامل اجتماعی: آموزش والدین و اجتماعی کردن و انتقال درست هنجارها و ارزش‌های جنسیتی به فرزندان.

مقوله هسته به دست آمده به عنوان آخرین و انتزاعی‌ترین مفهوم در این تحقیق آگاهی والدین است. این مقوله نشان می‌دهد که آگاهی به عنوان حلقه گمشده در مباحث تربیتی به خصوص در امور حساسی مانند امور جنسی می‌تواند نقش پر رنگی را ایفا نماید.

در حقیقت، آگاهی خود به عنوان یک فرایند که از عوامل متعدد دیگری تاثیر می‌پذیرد می‌تواند نقش اساسی را در تغییر نگرش والدین ایفا نماید. تغییر نگرش نیز به نوبه خود تغییر در رفتار را به دنبال خواهد داشت.



در زمینه مسائل جنسی نیز و امور مربوط به آن نظیر تربیت و انتقال درست هنجارها، وجود آگاهی شرط است. البته باید توجه داشت که این فرایند با توجه به ترکیبی بودن آن که در بالا ذکر شد، مسیری دشوار است که دخالت نهادهای مختلف را می‌طلبد. امروزه آگاهی از طرق مختلف مثل رسانه‌ها، یافته‌های آکادمیک، تحصیلات و ... به والدین و حتی کودکان منتقل می‌شود و در آن‌ها ایجاد می‌شود. ولی صرف آگاهی هیچ وقت منتهی به تغییر رفتار و تغییر شیوه‌های تربیتی نخواهد شد. حلقه واسطه‌ای اثرگذار بین آگاهی و رفتار، تغییر نگرش افراد نسبت به مسائلی است که در مورد آن‌ها آگاهی به افراد منتقل می‌شود. آگاهی به تنهایی باعث تغییر رفتار فرد نمی‌شود و در این میان یک سری از عوامل دیگر دخیل هستند. به عبارت دیگر، آگاهی افراد از یک موضوع اجتماعی یا برجسته‌سازی آن موضوع، اولین اقدام برای ایجاد تغییر در آن موضوع اجتماعی است. به این ترتیب که آگاهی اولین شرط برای تغییر نگرش افراد در مورد مسائل مختلف محسوب می‌شود. تغییر نگرش با افزایش یا ایجاد آگاهی در افراد، سرانجام آن‌ها را در به کارگیری، تصمیم‌گیری به آغاز عمل سوق می‌دهد (سورین و تانکار، ۱۳۸۴: ۲۳۸). در مورد رفتار اجتماعی و نقش آگاهی در آن، می‌توان گفت که تغییر رفتار و اثرپذیری آن از آگاهی و تغییر نگرش از طریق مدل زیر حاصل می‌شود.



شکل شماره (۱): مدل تلویحی تحقیق

بر اساس مدل فوق تغییر در رفتار که در تحقیق ما همان تربیت جنسی است، در آخرین مرحله قرار دارد. بر اساس مدل فوق می‌توان هم رفتار والدین و هم کودکان را در خانواده و جامعه تبیین کرد. در این مدل اولین مرحله تاثیرگذار بر رفتار، زیست بوم است. زیست بوم به محل زندگی افراد یا یک گروه اجتماعی اطلاق می‌شود که بالطبع هر زیست بومی دارای یک سری شرایط و امکاناتی است که این شرایط و امکانات، پارادایم غالب اجتماعی آن جامعه و جهت‌گیری‌های ارزشی آن جامعه را در مورد موضوعات مختلف تعیین می‌کنند. این پارادایم غالب اجتماعی که در بر گیرنده باورها و عقاید بنیادین هر گروه اجتماعی یا یک جامعه است در حقیقت تشکیل دهنده بخش معنوی فرهنگ آن جامعه است که این فرهنگ باید از طریق جامعه‌پذیری درست و فرایند اجتماعی شدن به نسل‌های بعدی منتقل بشوند. در طول فرایند اجتماعی شدن شخصیت یا هویت افراد، از همان دوران کودکی شکل می‌گیرد و این هویت و شخصیت افراد است که به آن‌ها می‌گویند در جامعه چگونه رفتار کنند. نکته مهمی که در این جا باید به آن توجه کرد بخش جامعه‌پذیری و بخش زیست بوم است که برای ما شرایط و امکانات موجود محل زندگی را مشخص می‌کند. با توجه به این که ما در یک جامعه دینی زندگی می‌کنیم و نحوه گفتار و کردار ما بیشتر تحت تاثیر نهاد دین است، متعاقب آن ارزش‌ها و هنجارهای جامعه ما هم از آن تاثیر می‌پذیرد و

بر پارادایم غالب اجتماعی ما که در حقیقت چراغ و روشنایی ما در تاریکی محسوب می‌شوند، اثر خواهد گذاشت. لذا شناخت و آگاهی افراد جامعه و به خصوص والدین از این ارزش‌ها (شناخت ارزش‌های درست و غلط) و کاربرد و ترویج صحیح آن‌ها و انتقال درست آن‌ها از طریق فرایند اجتماعی شدن می‌تواند به ما در شکل‌دهی درست هویت جنسی کودکان کمک بکند. آگاهی والدین با ارزش‌ها و بخش معنوی فرهنگ و توجه به بخش مادی فرهنگ می‌تواند نگرش آن‌ها را در زمینه موضوعات مختلف مانند مسائل جنسی کودکان در خانواده را تحت تاثیر قرار بدهد و این امر به تغییر رفتار آن‌ها و تغییر برخورد آن‌ها با مسائل جنسی بشود. برای مثال مقوله حساسیت‌زدایی از مسائل جنسی به عنوان یکی از مقوله‌های مهم به صورت غیر مستقیم بر نقش آگاهی و تقویت دانش فرد در زمینه به روز بودن والدین و آگاهی آن‌ها از هنجارهای جنسی جامعه تاکید دارد. در این مقوله پیامی، مبنی بر آمیخته شدن خرافات و یا فهم نادرست ارزش‌ها از سوی افراد نهفته است که باید از طریق دادن آگاهی و افزایش آن در بین والدین، برخی از ارزش‌های نادرست یا کژکارکرد را تصحیح یا حذف کرد و بر اساس مقتضیات جامعه عمل نمود.

#### پیشنادهای تحقیق

- با توجه به این که خانواده مهم‌ترین پناهگاه برای جوانان است اولین قدم در راستای ایجاد زمینه مناسب برای تربیت جنسی اصلاح روابط خانوادگی (شامل وجود روابط عاطفی بین والدین و فرزندان، ارائه رفتارهای مناسب در خانواده از سوی والدین و خواهر و برادر بزرگ‌تر).
- الگوی مناسب بودن برای جوانان. وقتی والدین رفتار درستی داشته باشند می‌توانند از جوانان انتظار رفتار مناسب را داشته باشند. در حقیقت والدین در نهاد خانواده که جز اولین نهادها در تربیت و جامعه‌پذیری می‌باشد، بیشترین تاثیر را بر رفتار کودکان خواهند داشت.
- انتخاب دوستان مناسب. افراد تابع عقیده دوست خود هستند پس مواظب باشید با چه کسی دوست می‌شوند. در این بین اول خود نوجوانان و کودکان باید بر اساس آن چه در مدرسه و خانواده در مورد الگوهای دوست‌گزینی یاد گرفته‌اند، اقدام به انتخاب دوست برای خودشان بکنند و در مرحله بعد والدین در خانواده و معلمین در مدارس بر روند و نوع انتخاب دوست کودکان و نوجوانان نظارت بکنند.
- اصلاح اجتماعی و ایجاد زمینه مساعد تربیتی. اصلاح قوانین اجتماعی و برخی از ارزش‌ها و قواعد جنسی یکی از طرق پیشگیری از انحرافات جوانان است. جوانان گاهی نمی‌خواهند تشریفات و آداب معمول را دنبال کنند و نباید آنان را به رعایت آداب دست و پا گیر مجبور ساخت.
- تشویق جوانان به بهره‌وری از دوران جوانی. باید جوانان را تشویق کرد که از این دوره کمال استفاده را ببرند و باید زمینه لازم برای این کار از طرق مختلف و از سوی نهادهای مختلف فراهم شود.

- پر کردن اوقات فراغت: از آن جا که یکی از علل عمده انحراف جوانان، بیکاری است، لازم است اوقات فراغت به شکل مناسب پر شود مثل شرکت کردن در رشته‌های مختلف ورزشی (شنا، ورزش رزمی، تیراندازی و ...).
- توجه کردن به عوامل شخصیت‌ساز کودکان. والدین در تربیت فرزندان باید به عوامل شخصیت‌ساز و خصوصیات جسمی- روانی آن‌ها توجه کنند.
- آموزش مسائل دینی در مورد امور جنسی متناسب با سن و جنسیت کودکان و آگاه کردن آن‌ها از وظایف دینی‌شان در رابطه با مسائل جنسی و تبیین چرایی این آداب.
- وجود طرح تربیت جنسی دانش‌آموزان در مدارس و وجود سیاستی مشخص در کشور برای آموزش مسائل جنسی به دانش‌آموزان در قالب کتب درسی.
- آگاهی والدین و مدارس از وضعیت جامعه و پیشرفت‌های فضای مجازی که منجر به تغییرات گسترده در جامعه شدند، باید منجر به این بشود که آن‌ها به کودکان و نوجوانان شیوه خویشتن-داری و مهارت نه گفتن را یاد دهند.
- حساسیت‌زدایی از وسائل جنسی در درون خانواده و در جامعه همراه با تقویت حجاب و شرم در جامعه.

### منابع

- امینی، محمد؛ تمنایی‌فر، محمدرضا؛ و پاشایی، رقیه. (۱۳۹۰). بررسی ضرورت وجودی و چگونگی توجه به تربیت جنسی در برنامه درسی مقطع متوسطه از دیدگاه دبیران و دانش‌آموزان، **پژوهش‌های برنامه درسی**. دوره ۱، شماره ۲، صص ۲۲۰-۱۶۹.
- امینی، ابراهیم. (۱۳۸۴). **اسلام و تعلیم و تربیت**. نشر بوستان کتاب قم.
- امینی، محمد؛ تمنایی‌فر، محمدرضا؛ و پاشایی، رقیه. (۱۳۹۰). **بررسی ضرورت وجودی و چگونگی توجه به تربیت جنسی در برنامه درسی مقطع متوسطه از دیدگاه دبیران و دانش‌آموزان**. پژوهش‌های برنامه درسی، ۱ (۱).
- بخشی خلیلگانی، اکرم. (۱۳۸۹). **ساخت اجتماعی معلولیت، پژوهشی با رویکرد برساخت‌گرایانه اجتماعی**. مورد مطالعه: رشت، پایان‌نامه کارشناسی ارشد.
- برزو، غلامرضا؛ و همکاران. (۱۳۸۹). **ارزشیابی کیفی اجرای طرح هادی در روستای کرناچی شهرستان کرمانشاه - کاربرد نظریه بنیانی، فصلنامه پژوهش‌های روستایی**. دوره ۱، شماره ۳.
- برک، ل. (۱۳۹۳). **روان‌شناسی رشد**. ترجمه: یحیی، سیدمحمدی. تهران: انتشارات ارسباران. (انتشار به زبان اصلی، ۲۰۰۱).
- برک، لورا (۱۳۹۳). **روانشناسی رشد**. ترجمه: یحیی، سیدمحمدی. تهران: ارسباران.
- بوداقتی، علی. (۱۳۹۵). **مهندسی فرهنگی شبکه‌های اجتماعی با تاکید بر همگرایی اقوام**. طرح پژوهشی، کارفرما: دفتر تحقیقات کاربردی نیروی انتظامی آذربایجان غربی.
- رهنما، اکبر؛ علین، حمید؛ و محمدی، حسین. (۱۳۸۶). **بررسی و تبیین مبانی، اصول، و روش‌های تربیت جنسی با تاکید بر دیدگاه اسلام، پژوهش‌های آموزش و یادگیری**. ۱ (۲۶).
- سلیم گندمی، غلامعلی. (۱۳۹۰). **علل انحرافات اخلاقی نوجوانان و راه‌های کنترل آن**. نشر بیت‌الاحزان فاطمه (س).
- سورین، ورنر؛ و تانکار، جیمز. (۱۳۸۴). **نظریه‌های ارتباطات**. ترجمه: علی‌رضا، دهقان. تهران: دانشگاه تهران.
- صائمیان، صدیقه. (۱۳۷۷). **ارتباطات انسانی، تدبیر**. سال نهم، شماره ۸۷، ص ۷۶.

- عابدی، علیرضا. (۱۳۸۵). **ارتباطات بین فردی**. نشریه حمایت.
- علی‌اکبر، فرهنگی. (۱۳۷۴). **ارتباطات اجتماعی**. موسسه خدمات فرهنگی رسا، چاپ دوم.
- فلیک، اووه. (۱۳۸۷). **درآمدی بر روش تحقیق کیفی**. ترجمه: هادی، جلیلی. نشر نی، چاپ اول.
- قربانی، مهسا؛ زمانی علویجه، فرشته؛ شهری، پروین؛ زارع، کوروش؛ و مرعشی، طیبه. (۱۳۹۴). شناخت کنجکاوی‌های جنسی کودکان: مقدمه‌ای بر آموزش و ارتقای سلامت جنسی آنان، **فصلنامه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت**. پاییز، شماره ۳، صص ۱۹۸-۲۱۰.
- گودرزی، منصور. (۱۳۷۲). پایدارکردن جامعه‌ها: جامعه‌پذیری، **رشدآموزش علوم اجتماعی**. سال پنجم، شماره ۱۸. زمستان، صص ۲۱-۷.
- محمدی، بیوک. (۱۳۸۷). **درآمدی بر روش تحقیق کیفی**. تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- مرفاتی خوبی، عفت‌السادات؛ ابوالقاسمی، ناریا؛ تقدیسی، محمدحسین. (۱۳۹۲). سلامت جنسی کودکان: مطالعه کیفی تبیین دیدگاه‌های والدین، **مجله دانشکده بهداشت و انستیتو تحقیقات بهداشتی**. ۱۱، (۲).
- هومین‌فر، الهام. (۱۳۸۲). جامعه‌پذیری جنسیتی، **پژوهش زنان**. دوره ۱، سال ۳، شماره ۷، صص ۸۹-۱۱۳.
- واندنبیگ، فردریک. (۱۳۸۶). **جامعه‌شناسی جرج زیمل**. ترجمه: عبدالحسین، نیک‌گهر. نشر توتیا.
- Abid, W. W, Engels, R, & Meeus, W. (2014). A qualitative study of the society's perception of the sexual abuse of women and children, **Journal of Adolescence**. 29 (3), 407-417.
- Amini M. Tamannai-Far M, Pashai R. (2011). Investigating the existential necessity of and the way to approach sex education in high school curriculum from the viewpoints of teachers and students. **Scientific research journal of Iranian Association Curric Studies**. 1(1), P.p: 169-202.
- Berk, L. E, & Roberts, W., L. (2009). **Child development (3rd Canadian ed.)**. Toronto, ON: Pearson Allyn and Bacon.
- Goldenberg, H., & Goldenberg, I. (2012). **Family Therapy: An overview**. Los Angeles: Thomas Brooks/Cole.
- Goldman JD. (2011). An exploration in health education of an integrated theoretical basis for sexuality education pedagogies for young people, **Health Educ Res**. 26 (3), P.p: 526-541.
- Halstead, M, Reiss, M. (2003). **Values in sex education: form principles to practice**. Reoutledge.
- Kirbi, K. (2008). Sex education for teens, **Journal of interpersonal violence**. 24 (5), P.p: 844-865.
- Kirbi, G. T., & Kevil, R. D., Alton, J and Robin, S. (2011). Reducing the sexual risk of teens, **Child development**. 68 (2), P.p: 333-350.
- Vanderberg RH, Farkas AH, Miller E, Sucato GS, Akers AY, Borrero SB. (2016). Racial and/or ethnic differences in formal sex education and sex education by parents among young women in the United States, **J Pediatr Adol Gynec**. 29 (1), P.p: 69-73.
- Vieira, I., Fernandes, O., Vieira, RX. (2008). T10-P-16 Evaluation of parents as partners in sex education, **Sexologies**. 17, p: 154.
- Walker, JL. (2001). A qualitative study of parents' experiences of providing sex education for their children: The implications for health education, **Health Educ J**. 60 (2), P.p: 132-146.